

تجزیه و تحلیل انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ کشور ترکیه: استمرار و تحول در نظام سیاسی کشور ترکیه

دکتر رضا رسولی

استادیار دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی
دکتر بهرام سرمست
دکترای علوم سیاسی و مدرس دانشگاه پیام نور تبریز
علیرضا کریمیان
محقق و پژوهشگر

چکیده

انتخابات زود هنگام مجلس ملی ترکیه که در سوم نوامبر ۲۰۰۲ انجام پذیرفت در حیات سیاسی ترکیه صحنه تغییر و تحولات ریشه‌ای گردید. این کشور بعد از ۴۲ سال برای اولین بار دارای یک مجلس ملی دو حزبی گشته، به ائتلاف چند حزبی خاتمه داد. در این انتخابات که بیش از نصف مردم نسبت به انتخابات دیگر تغییر حزب داده‌اند ترجیح‌های حزبی انتخابات‌کنندگان از لحاظ اجتماعی اقتصادی و اجتماعی - روانی تجزیه و تحلیل می‌شود. در این مقاله داده‌های تحقیقاتی مربوط به افکار عمومی که قبل و بعد انتخابات تحقق یافته به کار گرفته شده است. در این چارچوب برای تحلیل رفتار انتخاب‌کنندگان الگوی بسط داده شده توسط اشمیت تحت عنوان تفکیک «دوست - دشمن» و یا «خودی و غیر خودی» در سیاست که در جهت‌دهی رفتار انتخاب‌کنندگان برای هویت حزب دارای نقش به‌سزایی است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: رفتار انتخاب‌کنندگان ترک - انتخابات سال ۲۰۰۲ - رفتار سیاسی - نظام حزبی

ترکیه

مقدمه

در ترکیه در سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ که کمی هم غیرمنتظره بود انتخابات زود هنگام مجلس ملی انجام گرفت. این انتخابات در حیات سیاسی ترکیه بعد از ورود به دموکراسی چندحزبی چهاردهمین انتخابات ملی محسوب می‌شود. از ۴۱/۴ میلیون واجد شرایط انتخاب کننده ۷۹ درصد به پای صندوق‌های رأی رفته و از بین ۱۸ حزب سیاسی مشارکت کننده به انتخابات و دیگر نامزدان مستقل با اراده آزاد خود ترجیح خود را انتخاب نمودند.

بحث‌های مربوط به فرآیند دوره فعالیت انتخابات و تحولات حادث شده بعد از انتخابات همان مقدار که پختگی دموکراسی ترکیه را نشان می‌دهد ضعف‌ها را نیز به نمایش می‌گذارد. وقتی که شب سوم نوامبر نتایج صندوق‌های رأی مشخص شد در نظام سیاسی ترکیه واقعاً شرایطی بحرانی حاکم بود.

نخست همه احزابی که در مجلس نمایندگانی داشتند (حزب دموکراتیک چپ^۱، و حزب حرکت ملی^۲، و حزب مام وطن^۳، حزب راه راست^۴ و حزب سعادت^۵) کمتر از ۱۰ درصد رای اخذ نموده و از ورود به مجلس ملی باز مانده و حزب عدالت و توسعه^۶ که تنها یک سال قبل از انتخابات به رهبری طیب اروغان تأسیس گردید بود با کسب ۳۴ درصد رأی، پیروز انتخابات گشته و با اکثریت $\frac{2}{3}$ وارد مجلس شد. (جدول یک).

حزب جمهوری خلق^۷ نیز که در انتخابات دوره قبل (۱۹۹۹) زیر ۱۰ درصد مانده و نتوانسته بود به مجلس راه یابد در حالی که برای کسب اقتدار آماده می‌شد با کسب ۱۹ درصد رأی و ۱۷۸ گروه نمایندگان در جایگاه حزب اول مخالف قرار گرفت. و علاوه بر آن در سیاست پارلمانی ترکیه یک چیز نیز برای اولین بار اتفاق افتاد از مناطق مختلف ترکیه ۹ نفر نماینده مستقل به مجلس ملی راه یافت. یک حزب موفق دیگر نتوانست به مجلس راه یابد حزب جوان^۸ بود که چند ماه قبل از انتخابات تأسیس گردید ولی با کسب ۷/۲ درصد رأی جلب توجه می‌نمود.

حزب دموکراتیک مردم^۹ (Schmitt, 1979, 6) نیز علی‌رغم افزایش رای در سایه ائتلاف انتخابات نتوانست ادعای یک حزب برای ترکیه را نشان دهد.

در جبهه بازندگان هیجان‌آورترین کاهش رأی پیروز انتخابات قبلی یعنی حزب دموکراتیک چپ بود. برای اولین بار در آرای یک حزب مقتدر حدود ۲۱ درصد کاهش رخ داده و نسبت کسب آراء از ۲۳ درصد به ۱/۱ درصد شد. از دلایل کاهش آرای حزب دموکراتیک چپ می‌توان به تقسیم حزب فوق به دو قسمت و رو به وخامت گذاشتن سلامتی نخست‌وزیر بلندا

1- DSP
ANAP
5- SPS

2- MHP
4- DYP
6- AKP

3 -
7 -

جویت و با این حال دست نکشیدن از اقتدار و مواجهه حکومت ائتلاف با نخست وزیر جویت بحران عمیق اقتصادی اشاره نمود. در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ ضربه سنگین دیگر در حزب مقتدر حرکت ملی مشاهده می‌شود. در انتخابات قبلی که به‌عنوان دومین حزب به مجلس ملی راه یافته بود در دوره ائتلاف با اقتدار از هویت حزبی ترسیمی خود فاصله گرفته و به وعده‌هایی که قبلاً به مردم داده بود (در راس آن‌ها اعدام رهبر حزب کارگران کُرد و مبارزه با فقر و فساد بود) نتوانسته بجا آورد و در قبل از انتخابات نه با سئوالات شهروندان بلکه بیشتر با مسائل درون حزبی خود مشغول بوده و در حدود ۱۰ درصد آراء خود را از دست داده است. شریک کوچک اقتدار یعنی حزب مام وطن نیز به دلایل مشابه و همچنین درآمدن اسم حزب در فساد و اختلاس در نسبت آراء آن نیز در حد قابل توجه کاهش به‌وجود آمده و نتوانسته به مجلس راه یابد.

البته که بازندگان تنها حزب‌های مقتدر نبوده‌اند. در درون و بیرون مجلس نیز بعضی از احزاب مخالف به میزان قابل توجهی آراء را از دست داده بودند. در رأس این‌ها حزب راه راست است که قبل از انتخابات با ایجاد ائتلاف با دیگر احزاب تلاش کرد که حداقل بتواند وارد مجلس شود که در ساعات اولیه شمارش آراء میزان رأی آن بین ۱۱-۹ درصد تغییر می‌یافت که نهایت در پایان شمارش آراء با کسب ۹/۶ درصد از آراء موجب یاس و ناامیدی بسیاری در حزب فوق گردید.

ارزیابی‌های انجام گرفته در تحلیل رفتن حزب راست میانه مقداری هم به سبب عملکرد رهبر حزب به تأثیر منفی حزب راه راست تأکید کرده‌اند. حزب اسلام‌گرای سعادت نیز با اعتماد به کف حزب و حضور رهبر طبیعی حزب آقای اربکان در مراحل فعالیت انتخابات در میادین میتینگ علی‌رغم ممنوعیت فعالیت سیاسی تنها ۲/۵ درصد آراء را کسب نمود. حتی در شهر قونیه که پایگاه این حزب است میزان کسب آراء این حزب بیشتر از ۵٪ درصد نشد. قابل توجه این است که کف حزب، حزب عدالت و توسعه را که هم به اقتدار نزدیکتر بوده و مؤسسين آن از حزب سعادت بوده‌اند برای انتخاب خود ترجیح داده‌اند (Carkoglu, 2002, 10-24). از بین احزابی که انتظارات آن‌ها برآورده نشد یکی حزب ترکیه نوین با گرایش چپ و دیگری حزب اتحاد بزرگ در خط ملی‌گرایی محافظه‌کار جای دارد که میزان آراء هر دو حزب در حد ۱ درصد مانده است (Smer, 1995, 20).

۱- نظام نوین حزب در ترکیه

بی‌تردید تغییر و تحولاتی ریشه‌ای که در نتیجه انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ در نظام حزب سیاسی ترکیه به‌وجود آمد قابل ارزیابی است. از نتایج مهم انتخابات سوم نوامبر بی‌تردید سیاست ترکیه بعد از ۵۰ سال به نظام دوحزبی تبدیل شدن و کشور بعد از ۱۵ سال مجدداً به

جدول ۱- نتایج انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و تغییرات نسبت به انتخابات سال ۱۹۹۹

تعداد نماینده مجلس در انتخابات سال ۱۹۹۹	تعداد نماینده مجلس در انتخابات سال ۲۰۰۲	تفاوت آراء \pm	کسب آراء در سال ۱۹۹۹ %	کسب آراء در سال ۲۰۰۲ %	احزاب سیاسی
۰	۳۶۳	۳۴/۳	-	۳۴/۳	حزب عدالت و توسعه (AKP)
۰	۱۷۸	۷/۱۰	۸/۷	۱۹/۴	حزب جمهوری خلق (CHP)
۸۵	۰	-۲/۴	۱۲/۰	۹/۶	حزب راه راست (DYP)
۱۲۹	۰	-۹/۷	۱۸/۰	۸/۳	حزب حرکت ملی (MHP)
۰	۰	۷/۲	-	۷/۲	حزب جوان (GP)
۰	۰	۱/۵	۴/۷	۶/۲	حزب دموکراتیک مردم (DEHAP)**
۸۶	۰	-۸/۱	۱۳/۲	۵/۱	حزب مام میهن (ANAP)
۱۱۱	۰	-۱۲/۹	۱۵/۴	۲/۵	حزب سعادت (SD)
۱۳۶	۰	-۲۱	۲۲/۲	۱/۲	حزب دموکراتیک چپ (DSP)
۰	۰	-۰/۴	۱/۴	۱/۰	حزب اتحاد بزرگ (BBP)
۰	۰	۱/۰	-	۱/۰	حزب ترکیه نوین* (YTP)
۳	۹	۰/۱۳	۰/۸۸	۱/۰	مستقلها
			۸۷	۷۹	درصد مشارکت
			۲۰	۵۴	شناوری انتخاب کنندگان***

(* احزابی که برای نخستین بار در انتخابات شرکت نموده‌اند

(** در انتخابات سال ۱۹۹۹ با نام حزب دموکراتیک مردم حضور داشت

(*** ضریب شناوری؛ در بین دو انتخابات از جمع تغییرات حاصله در آراء همه احزاب مشارکت کننده در انتخابات، تقسیم بر دو به دست می‌آید.

حکومت تک‌حزبی درآمدن است.

به نام فراهم ساختن اقتدار سیاسی این نتایج همان‌طوری که در سیاست، اقتصاد، بازار و محیط کار مثبت ارزیابی شده در کشورهای خارجی نیز با نظر موافق و مثبت مواجه بوده است. انتخابات سوم نوامبر از لحاظ نمایندگی دموکراتیک و مشارکت نتایج را نیز در بر داشته است در رأس این‌ها این است که تقریباً از ۴۵ درصد آراء اخذ شده برای اولین بار در مجلس ملی نماینده نداشته‌اند. هر چه قدر هم به دلیل به‌کارگیری قواعد انتخابات به‌شکل مساوی در همه احزاب این نتایج بحث «مشروعیت» هم نداشته باشد مسئله‌نمایندگی اکثریت وجود دارد^۴ (Bora, 2002, 29-35).

بدان جهت حزب عدالت و توسعه با داشتن رأی که بخواهد مجلس را کنترل نماید و در نظام سیاسی تغییرات اساسی انجام دهد موجب تنش و بحث خواهد بود. مسئله دیگر نیاز میزان مشارکت در انتخابات است که در سی سال اخیر پایین‌ترین سطح مشارکت بوده است. ۲۱ درصد واجدین شرایط انتخابات به پای صندوق رأی نرفته‌اند. در این راستا مهمترین سئوالی که باید پاسخ داده شود این است که آیا بی‌تفاوتی انتخاب‌کنندگان آثاری از بیگانگی و عدم اعتماد به نظام سیاسی تعبیر و تفسیر و ادراک می‌شود؟ در این خصوص در پرتو داده‌های موجود در ذیل به بحث پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از نتایج سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ مشاهده انتقال کف رأی احزاب به میزان بسیار بالایی به دیگر احزاب است. به‌طور خلاصه ضریب شناوری که در بین دو انتخاب از جمع تغییرات حاصله در کف رأی همه احزاب مشارکت‌کننده در انتخابات تقسیم بر ۲ به‌دست می‌آید در انتخابات ۱۹۹۹ عدد ۲۰ بوده که در انتخابات ۲۰۰۲ به عدد ۵۴ تغییر یافته است. یعنی می‌توان گفت که ۵۴ درصد انتخاب‌کنندگان نسبت به انتخابات قبل به احزاب متفاوت رأی داده‌اند که این هم در مفهوم واقعی آن یک تحول بوده و نتیجه آن ورود به فرآیند تشکیل ساختار سیاسی دوحزبی می‌باشد.

در علوم سیاسی تطبیقی به انتخاباتی که تعادل سیاسی موجود را به‌شکل ریشه‌ای تغییر دهد انتخابات بحرانی^۱ گفته می‌شود. به نظر کی^۲ (۱۹۵۵) که این مفهوم را در علم سیاست مطرح نموده است انتخابات بحرانی در کف رأی احزاب و گرایش رأی انتخاب‌کنندگان تغییرات ریشه‌ای و کم و بیش پایدار به‌وجود می‌آورد. احزاب سیاسی در حالی که حمایت کامل بعضی از گروه‌های اجتماعی را از دست می‌دهند می‌توانند گروه تازه‌ای را به خود جذب نمایند. به این نوع گروه انتخاب‌کنندگان که نه تنها به تغییر اقتدار بسنده نکرده بلکه تعادل قدرت بین احزاب را تغییر داده و بعضی بحران‌های سیاسی و یا اجتماعی - اقتصادی که جامعه را به‌طور عمیق تحت تاثیر قرار می‌دهد، «تغییر اساسی در وفاداری مردم نسبت به حزب» و یا «جهه بندی»^۳ گفته

می‌شود. و به این نوع انتخابات نیز که انتخاب‌کنندگان را مجدداً در اطراف احزاب گروه بندی می‌نمایند، «متحد شدن در انتخابات»^۱ گفته می‌شود. در این مورد یکی از بارزترین نمونه‌ها در ایالات متحده آمریکا می‌باشد که بعد از بحران بزرگ ۱۹۲۹ با ائتلاف New deal که حزب دموکرات را به بزرگترین حزب تبدیل نمود. به نظر اوز بودن^۲ با توجه به انتخابات ۱۹۶۹ و ۱۹۷۳ در ترکیه یک جبهه‌بندی جدید انتخاب‌کنندگان تجربه شده است (Ozbudun, 1976).

از این منظر انتخابات مجلس ملی سوم نوامبر ۲۰۰۲ نیز می‌تواند از لحاظ به وجود آوردن تغییرات اساسی در نظام احزاب به عنوان انتخابات بحرانی ارزیابی شود. در این انتخابات در سیاست ترکیه آیا گروه‌های انتخاب‌کننده در اطراف احزاب مجدداً به مفهوم گروه بندی ماندگار جبهه بندی تجربه کردند یا نکردند را می‌توان از نتایج انتخابات بعدی به دست آورد. به نظر می‌رسد سؤال پیچیده‌ای که باید به آن پاسخ داده شود این است که انتخاب‌کنندگان که قبلاً به احزاب متفاوت رای داده‌اند چرا با احزاب خود پیوند خود را قطع نموده و در اطراف حزب عدالت و توسعه (مقداری هم در حزب جمهوری خلق) جمع شده‌اند. آیا انتخاب‌کنندگان عمکرد احزاب موجود را ناکافی دیده و برای اعتراض به احزاب خود به حزب عدالت و توسعه رأی داده‌اند؟ و یا بین این حزب و انتخاب‌کنندگان واقعاً پیوند عاطفی و احساسی ایجاد شده است؟ علل لغزش‌های انتخاب‌کنندگان که در این انتخابات بررسی شده است به شناخت بهتر پویایی حیات سیاسی ترکیه و هم زمینه پرتوافکنی برای انتخابات آینده، کمک می‌کنند. در ذیل نخست به توضیح نگرش‌های نظری رفتار رای‌دهندگان پرداخته و بعد از آن نیز در پرتو این اطلاعات علل ایجاد تحولات سیاسی انتخابات مجلس ملی سال ۲۰۰۲ بر پایه تحقیقات افکار عمومی که در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در سطح ترکیه از طرف پروفیسور اورهان کوکچه^۳ و همکارانش در دانشگاه سلجوق انجام گرفته می‌پردازیم.

۲- نگرش‌های نظری در رابطه با رای دادن

پاسخ به سؤال «عوامل موثر بر رای دادن چیست؟» یکی از موضوعات مهمی است که از مدت‌ها پیش توجه محققان جامعه‌شناسی سیاسی را به خود جلب نموده است. آیا شهروندان در سر صندوق رأی می‌توانند انتخاب معناداری انجام دهند؟ آیا شهروندان در مورد موضوعات مورد بحث انتخابات به اندازه کافی اطلاعات دارند؟ انتخابات با سیاست به چه میزانی مرتبط است؟ شهروندان در زمانی که رأی می‌دهند آیا در راستای نزدیکی به یک حزب معین و یا در جهت گرایش به ایدئولوژی خود رأی می‌دهند و یا متغیرهای اقتصادی (از قبیل بیکاری، تورم و ...) که رفاه مادی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند جهت رأی دادن را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ و یا نهایت

انتخاب کنندگان طبق ادعای نظریه پردازان دموکراسی کلاسیک «با اندیشه منفعت طلبی» ترجیح عقلایی انجام می دهند؟ و یا آنان طبق ادعای بعضی ها با جهت دهی احزاب و واسطه ها به عنوان افرادی حاضر و آماده برای فریب داده شدن و یا اغفال دیده خواهند شد؟ در غرب فعالیت های مربوط به تحلیل فرآیند انتخابات در سال های ۱۹۴۰ آغاز گشته و بعد از جنگ جهانی دوم بر سرعت این فعالیت ها افزوده گشت. همان طوری که لیپست^۱ (۱۹۷۳) تأکید کرده است بررسی های رفتار انتخاب کنندگان به تدریج یکی از موضوعات وسیع جامعه شناسی سیاسی گردید. علی رغم این ها در تحقیقات مربوطه به عوامل موثر در رأی دادن هنوز به اتفاق نظر دست نیافته اند. دانشمندان علوم سیاسی که در این عرصه فعالیت دارند به علت به کارگیری فرضیات، روش ها و داده های گزینش متفاوت بعضاً هم به نتیجه متضاد می رسند. با توجه به توسعه تاریخی، فعالیت های مربوط به رفتار انتخاب کنندگان را می توان در سه نگرش (جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی و اقتصادی) طبقه بندی کرد (Akgun, 2002, 30).

۱-۲- نگرش جامعه شناسی

نخستین تحقیقات مربوط به رأی دهندگان که در سال های ۱۹۴۰ در آمریکا آغاز شد اکثرشان از روش «نگرش جامعه شناسی» استفاده می کردند چرا که بنا به اظهار دالتون و واتن برگ^۲ (۱۹۹۳) مناسب ترین داده های حاضر جهت استفاده داده های جمعیت شناسی بودند که در آمارهای جمعیت به دست آمده بودند. بدان جهت داده های اجتماعی و جغرافیایی از طرف احزاب جهت درک قشرهای جامعه استفاده می شد (Dalton, 1993).

نگرش جامعه شناختی ادعا می کند که اساس رفتار انتخاب کنندگان را طبقه بندی اجتماعی تعیین می کند فرض بر این بود که آرای اخذ شده در انتخابات نیز در اصل انعکاس مستقیم هویت اجتماعی افراد بر ترجیحات سیاسی است. (Berelson, 1954)

در نگرش مکتب کلمبیا ترجیح های حزبی انتخاب کنندگان مانند وابستگی دینی و عادت اجتناب ناپذیر تعریف می شود که انتخاب کنندگان در هر انتخاب که رأی می دهند چیزی غیر از تأیید این هویت تغییر ناپذیر نیست (Norris, 1998). یافته های اولیه تحقیقات میدانی که در سال های ۱۹۵۰ شروع شده بود در ماهیت پشتیبانی این نگرش است. برای مثال لازارسفیلد و همکاران^۳ (۱۹۴۴) تحقیقاتی که مورد انتخابات آمریکا (Lazarsfeld, 1944) و میلن و مک کینز^۴ (۱۹۵۴) نیز که در مورد انتخابات انگلستان انجام دادند ثابت نمودند که به طور کلی کف رأی احزاب به عنوان انعکاس تفاوت طبقاتی جامعه است. (Mackenzel, 1958)

بعد از آن نیز تحقیقات لیپست و وکان نیز که کشورهای اروپایی را در بر می گرفت با تأکید بر

1- lipset

2- Dalton and Wattenberg

3- Lazarsfeld

استقرار نظام‌های حزبی در دموکراسی‌های اروپا به طور غیرمستقیم بر جا افتادن مدل شکاف اجتماعی^۵ اشتراک نموده است. (Lipset, 1967)

با این حال این نگرش به لحاظ این که نظام‌های حزبی هر کشور را به عنوان داده‌های اطلاعاتی قرار می‌دهد به دلیل عدم انعطاف در توضیح تئوریک هم در تغییرات نظام‌های حزبی و هم لغزش‌های آراء مورد انتقاد قرار گرفته است اساساً تحقیقات سال‌های اخیر نیز جایگاه نگرش رأی‌دادن بر پایه طبقات را بر پرتو داده‌های تجربی از بین برده است. (Dalton, 1996).

۲-۲- نگرش روان‌شناسی اجتماعی

با گسترش تحقیقات میدانی و متأثر از این موضوع با افزایش داده‌های اطلاعاتی در سطح فردی نگرش روان‌شناسی اجتماعی نیز در این عرصه اهمیت کسب نمود. چاپ اثر معروف انتخاب‌کنندگان آمریکایی که توسط گروه محقق در مرکز تحقیقات انتخابات ملی واقع در دانشگاه میشیگان انجام پذیرفت نکته عطفی در این زمینه است (Campbell, 1960). این مدل که به جای گروه بر روی افراد محوریت دارد تأکید می‌کند که نگرش سیاسی و جهت‌گیری ایدئولوژیک آنان در فرایند سیاسی - اجتماعی شدن تحت تأثیر خانواده و محیط در سنین پایین شکل گرفته و در سنین بالا در روی ترجیح حزب بسیار مؤثر خواهد بود. مفهوم جدیدی که این نگرش به عرصه جامعه‌شناسی سیاسی ارائه نمود مفهوم "ماهیت حزب"^۱ می‌باشد. بر این اساس افراد از سنین پایین تحت تأثیر محیط نزدیک بر یک حزب معین احساس نزدیکی نموده و این وابستگی روانی به تدریج قوی شده و در طول زندگی ادامه می‌یابد.

رأی‌دهندگان اگر در یک انتخابات به دلایل متفاوت (مشکل اقتصادی، نامطلوب بودن نامزد و ...) حتی به یک حزب دیگر نیز رأی دهند در دوره بعدی باز هم به حزب قبلی خود رأی می‌دهند. (نورس، ۱۹۹۸: ۷۷). به علاوه رأی‌دهندگان در سایه ماهیت حزب دنیای پیچیده سیاست را بر اساس تعبیر و تفسیر حزبی که به آن احساس نزدیکی دارد در ذهن خود معنی‌دار می‌بینند. به این ترتیب رأی‌دهندگان حتی اگر دارای اطلاعات کافی نیز نباشند به آسانی می‌توانند وقایع سیاسی را تفسیر نمایند. این نگرش نیز در سال‌های ۱۹۷۰ با شک و تردید مواجه گردید. چون که نخست در آمریکا بعد از آن نیز در اروپا حوادث به وجود آمده و تحقیقات انجام یافته فرضیات اساسی این مکتب را رد کرد. برای مثال در آمریکا در هر سالی می‌گذرد تعداد زیادی افراد، هیچ حزبی را به خود نزدیک احساس نکرده و به مستقل بودن خود تأکید می‌نمایند. از طرف دیگر در اروپا غیر از احزاب سنتی راست و چپ که سال‌های طولانی بر سیاست حاکمیت داشتند احزاب دیگری (مانند سبزها) در انتخابات شروع به کسب موفقیت نمودند. بدان جهت

1- Party identification

محققین در رای دادن به تأثیر عوامل دیگر نیز اندیشیدند و در این راستا تأکید بر روی عواملی مانند شخصیت نامزدان ارزش‌های پست‌مدرن و تغییرات اقتصادی نمودند (Franklin, 1992).

۳-۲- نگرش اقتصادی

نگرش سومی که در سال‌های اخیر معروف شده و به‌عنوان مدل عقلانی نیز شناخته می‌شود نگرش رای‌دادن اقتصادی^۱ است. با توجه به این نگرش شهروندان در هر انتخابات از لحاظ تحقق اهداف خود حزبی را که مناسب تر ببینند به آن رأی می‌دهند. در این نظریه فرض این است که تنها اهداف رای‌دهندگان حداکثر نمودن منفعت مادی است. همان طوری که داونز^۲ (۱۹۵۷) در اثر خود تحت عنوان تئوری اقتصادی دموکراسی بیان می‌دارد «هر یک از شهروندان رأی خود را به حزبی که اعتقاد داشته باشد از دیگر احزاب بیشتر سود او را فراهم خواهد نمود می‌دهد». با توجه به مدافعین این تئوری هر یک از رای‌دهندگان یک هدف معین دارند و اگر حزبی که در تحقق این هدف او موفق نگردد رأی‌دهنده در انتخابات دیگر رأی خود را به آسانی تغییر می‌دهد. (Bennet, 1987, 30)

ورژن دیگر این مکتب به‌عنوان رأی‌دادن مبتنی بر گذشته‌نگر^۳ شناخته می‌شود. بر این اساس رای‌دهندگان وقتی که می‌خواهند رأی دهند بر اقدامات و عملکرد عمومی حزب اقتدار نگریسته و به تغییرات اقتصادی خود در این فرایند توجه می‌نمایند (Fiorina, 1981). برای شهروندان آنچه اهمیت دارد بیش از انجام چگونگی سیاست اقتصادی اقتدار، نتایج حاصله است. به‌طور کلی رای‌دهندگان تمایل دارند در موقعیتی که اقتصاد به جهت مطلوب گرایش دارد حزب مقتدر را پاداش دهند و در صورتی که اقتصاد در جهت منفی گرایش دارد مجازات گردند (Lewis, 1990).

ضمن این‌که تأثیر انگیزه‌های با منابع اقتصادی بر روی رأی دادن پذیرش عمومی دارد، این مدل نیز شناخت منفعت و هدف را به علت محدود نمودن با منافع مادی و عوامل خارج از اقتصادی و ارزش‌های نهادی که در سیاست اهمیت دارند نادیده می‌گیرند مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است. (Dalton, 1993, 95)

۳- انتخابات در ترکیه و بررسی‌های مربوط به رفتار رأی‌دهندگان

ترکیه تجربه سیاسی نسبتاً طولانی چند حزبی دموکراتیک دارد. از سال ۱۹۵۰ تا امروز با سیستم انتخابات «چند حزبی» چهارده دوره انتخابات مجلس ملی، هشت دوره انتخابات مجلس ملی میان دوره‌ای، یازده دوره انتخابات سازمان‌های محلی، هشت دوره انتخابات مجلس سنا جمعاً چهل و دو انتخابات انجام و تجربه گردیده است.

اما بررسی‌های تحلیلی در راستای تشریح رفتار رأی‌دهندگان ترک محدود است. یکی از دلایل این موضوع این است که بحث‌های صاحب‌نظران علوم سیاسی نه در روی رأی‌دهندگان بلکه بیشتر در روی «احزاب سیاسی» متمرکز گردیده است. به طوری که تحقیقات زیادی در روی احزاب سیاسی صورت پذیرفته است. با این حال بررسی‌های اونات (Unat, 1965)، اوزبودن (Ozbudun, 1976)، کالای جی اوغلو (Kalaycioglu, 1994, 484)، اسمر (Esmer, 1995)، آک‌گون (Akgun, 2002)، سای آری و اسمر (Sayari, 2002)، را می‌توان از مهمترین تحقیقات در روی رفتار رأی‌دهندگان ترک بشمار آورد.

در بررسی‌های مربوط بر رفتار رأی‌دهندگان ترک مشاهده می‌شود که نگرش فرهنگی - اجتماعی مبتنی بر تفکیک مرکز - پیرامون به‌طور گسترده مورد پذیرش واقع گردیده است. این نگرش که در ادبیات به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته از بین نگرش‌های بالا با مدل اجتماعی بیشتر سازگار است. با توجه به این نگرش اقدامات اصلاحی و مدرن‌سازی امپراطوری عثمانی قرن ۱۹ بین برگزیدگان دولت نظامی - شخصی با گرایش تجددگرا و مرکزگرا و بقیه طبقه جامعه با رهبری علمای سنتی عثمانی و اشراف محلی (پیرامون) جدایی عمیق فرهنگی - اجتماعی ایجاد نموده است. در آغاز قرن بیستم وقتی که موناشرشی عثمانی رقابت سیاسی در کشور اجازه داد قشر مدرن در اطراف فرقه اتحاد و ترقی و قشر مخالف نیز در اطراف فرقه اهرار گرد آمدند بدین ترتیب در کشور بین قشر متجدد و سنتی تقسیم‌بندی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌طور پررنگ جدا شد و حالت پایدار به خود گرفت.

این نگرش را که ماردین^۱ در درک نظام سیاسی ترک به عنوان یک کلید می‌داند، می‌گوید که نظام سیاسی ترک ساختاری دوگانه^۲ دارد که از یک طرف در درون خود از نخبگان سیاسی مرکز که به‌طور منسجم سازماندهی شده و از طرف دیگر از مجموع گروه‌هایی متنوع و پراکنده نامتجانس تشکیل می‌گردد. که حیات سیاسی و پویایی نظام حزبی ترکیه در نتیجه تعامل متقابل این دو گروه رقیب تعیین می‌گردد. اوزبودن ضمن تأیید توضیح ماردین به این نکته تأکید می‌نماید که تقسیم‌بندی سیاسی که در دوره امپراطوری عثمانی به‌وجود آمده بود در دوره جمهوریت نیز ادامه داشته و در شکل‌گیری نظام حزبی امروز نیز تعیین‌کننده است (Ozbudun, 1976, 41) در سال ۱۹۴۶ در گذر به حیات سیاسی چندحزبی از این دو قدرت رقیب «مرکز» در اطراف حزب جمهوری خلق و «پیرامون» نیز در اطراف حزب دموکرات سازماندهی شدند.

تا سال ۱۹۸۰ قسمت عمده رأی‌دهندگان خود را به یکی از این جریان نزدیک حس نموده و رأی خود را بدین شکل استفاده نموده است. بعد از دوازده سپتامبر ۱۹۸۰ برای رأی‌دهندگان ترک یک دوره جدید محسوب می‌شود در آغاز این دوره همه احزاب ابطال،

رهبران آنها ممنوعیت فعالیت سیاسی شده و یک شروع جدید بنیان نهاده شده است. انتخابات ۱۹۸۷ در ترکیه حزبی که نمایندگی «راست مرکز» و «چپ مرکز» و بدین ترتیب مرکز و پیرامون را داشته باشد حداقل هر کدام دو حزب فعال دارند. و در سال‌های ۱۹۹۰ نیز نظام حزبی بیشتر تقسیم شده، و احزابی که هویت مذهبی، ملی‌گرایی، قومی را تا آن زمان نمایندگی می‌کرد نظام حزبی سنتی را پیچیده‌تر نمود. برای مثال حزب رفاه که قشر با احساس مذهبی را نمایندگی می‌کرد شعار با نگرش عدالت اجتماعی را پذیرش نموده و با این شعار از جامعه با یک نسبت معین پشتیبانی شده و رشد یافته است. و در نتیجه حزب رفاه در انتخابات سال ۱۹۹۵ و بعد از آن نیز «حزب حرکت ملی» در انتخابات سال ۱۹۹۹ به شکل باورنکردنی از احزاب راست مرکز بیشتر رأی کسب نموده و بعد از مدت طولانی موفق شدند که در اقتدار ترکیه جایگاه و ایفای نقش داشته باشند.

تعداد اندکی صاحب‌نظران علوم اجتماعی افزایش و یا کاهش رای احزاب در انتخابات را با تکیه بر دلایل اقتصادی تشریح می‌نمایند. برای مثال بولتای و یل‌درم^۱ در بررسی‌های خود موفقیت حزب دمکرات در انتخابات سال ۱۹۵۰ را در متغیرهایی از قبیل افزایش در قیمت‌های محصولات کشاورزی و رشد تولید ناخالص ملی می‌داند (Bultay, 1998, 27). کارپات^۲ نیز صعود و نزول حزب دمکرات را وابسته به عوامل اقتصادی می‌داند (Karpas, 1959). اما در سال‌های بعد این موضوع به صورت عمیق مورد بررسی قرار نگرفته است. در پاسخ این پرسش که چرا تحلیل در روی رفتار انتخاب‌کنندگان ترک با تکیه به این نوع فنون صورت نپذیرفته به نظر می‌رسد که در روابط بین احزاب سیاسی با رأی‌دهندگان در این کشور نهفته است.

با توجه به این نگرش رایج که از طرف نخبگان ترک نیز زیاد استفاده می‌شود در ترکیه سیاست توسط نخبگان هدایت شده و حمایت رأی‌دهندگان از احزاب با روابط پشتیبانی (رابطه ارباب - مشتری) فراهم می‌گردد. برای مثال به نظر سایاری^۳ در ترکیه نظام چندحزبی بیش از انتقال گروه بندی‌های اجتماعی به عرصه سیاسی در نتیجه تعارض بین نخبگان سیاسی حاصل شده است. آیاتا^۴ نیز تأکید دارد که احزاب سیاسی ترک بر پایه منافع گروه نبوده بلکه بر اساس منافع فردی رهبران ایجاد شده است بدان جهت در گذر به حیات چندحزبی رهبران و سیاستمداران محلی با سازمان‌های حزب سیاسی راه داد و ستد رأی در مقابل فراهم نمودن خدماتی از قبیل راه آب برق و مدرسه را انتخاب نموده‌اند. (Ayata, 1996, 56)

۴- انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و تحلیل نیمرخ رأی‌دهندگان ترک

۴-۱- دلایل ساختار جدید در سیاست: تلاش جهت ایجاد یک چارچوب تئوریک

هنوز بر روی انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و بررسی‌های تفصیلی متکی بر داده‌های قابل

1- Bultay and Yildirim
Karpas

2-

اعتماد انجام نگرفته است. قبل و بعد از انتخابات بعضی روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران درخصوص چگونگی نتایج انتخابات سوم نوامبر تأکید کرده و ایده‌های مختلفی را ارائه نمودند. ارزیابی‌ها به طور کلی بیشتر در راستای کار آسان این موضوع یعنی بر علت کاهش رأی احزاب مقتدر متمرکز گشته است. علت اصلی کاهش رأی نیز در سال‌های قبل از انتخابات وجود فقر زیاد مردم ناشی از بحران اقتصادی که در تاریخ جمهوری ترکیه اتفاق نیافته بوده نشان داده شده است. از طرف دیگر بی‌ثباتی ده سال اخیر ضعف احساس اعتماد رأی‌دهندگان نسبت بر احزاب ناشی از حکومت‌های ائتلاف با مسائل درونی و دور شدن احزاب از احساس مسئولیت خود در نتیجه در بین قشر وسیع مردم جامعه اشتیاق ایجاد «اقتدار تک حزب» با اعتماد، با قدرت و اثربخش که به سرعت مشکلات آنان را حل نماید به وجود آمد.

موارد فوق در اصل که از طرف هرکس شناخته شده فراتر از بیان شفاهی و یا زبانی، تکرار مستمر واقعیت‌ها بیش نبوده و به واقعیت‌ها نگرش با بعد جدید و افق دید نیاورده است و بدان جهت در این محور نگرش و دیدگاه برای توضیح نتایج انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ یک چارچوب کافی و قانع‌کننده ارائه ننموده است. نتایج این انتخابات در حیات سیاسی ترکیه خیلی با اهمیت بوده اما فقط به بعضی مسائل ساختاری کم اهمیت تأکید دارد. این مسائل ساختاری در سطح رأی‌دهندگان نبوده بیشتر در سطح احزاب سیاسی می‌باشند. در این خصوص تحلیل‌های آک‌یول^۱ بعضی سرخ‌های مهم ارائه می‌کند به نظر ایشان در رأی‌دهندگان به تدریج حس پایمال‌شدن و بیگانگی گسترده شده و این احساس در جهت‌دهی رفتار رأی‌دهندگان عامل مهمی را تشکیل می‌دهد (Akyol, 2002, 19). اما در راستای پاسخ و درک این پرسش که چرا حزب‌های عدالت و جوان این مقدار رأی کسب نمودند و حزب جمهوری خلق برعکس انتظار در مخالفت ماند و چرا حزب‌های دموکراتیک چپ، حرکت ملی، مام وطن، دموکراتیک مردم زیر مرز (کسب درصد ورود به پارلمان) ورود به پارلمان ماندند، نظر آک‌یول ضمن این که برای ایجاد یک چارچوب تئوریک بعضی سرخ مهم را ارائه می‌نماید اما کافی نیست. در این راستا در اساس رفتارهای سیاسی و دوران مایه‌ها بعضی عوامل دیگر که تا به امروز بیان نگردیده‌اند نهفته است. به نظر می‌رسد آنچه در اساس رفتارهای سیاسی و درون مایه‌ها نهفته باشد و بدین ترتیب عامل اساسی و تعیین‌کننده در سیاست است، «تفکیک دوست - دشمن» باشد.

حتی می‌توان گفت که آنچه که سیاست را سیاسی می‌کند و سیاست را برای افراد معنی‌دار و در رأی‌دهندگان ایجاد انگیزه می‌نماید این تفکیک و یا اصل باشد (Schmitt, 1979) (26) منظور از تفکیک دوست دشمن چیست؟ منظور این است که رابطه هر چیزی با محیطش دیده شده و بدین ترتیب باید مرزی که آن را از دیگری جدا نماید مشخص باشد (Gokce, 2002, 26).

از لحاظ احزاب سیاسی معنی این موضوع این است که هر حزب سیاسی باید هویت مختص خود و به عبارت دیگر باید خط مشی‌ای که آن را از دیگر احزاب با خطوط مشخص جدا نماید داشته باشد محافظت از این هویت هم برای زنده نگه داشتن انتظارات و هم برای انگیزش رأی‌دهندگان ضروری است. اما از این نباید این برداشت شود که در برنامه‌ها، رفتار و روش‌های احزاب سیاسی در طول زمان تغییری به وجود نیاید. بدون تردید احزاب برای این که از قدرت خود محافظت نموده و موجودیت خود را استمرار ببخشند باید بتواند برنامه‌های خود را با شرایط در حال تغییر تطبیق و با اقل‌شمار مختلف ارتباط برقرار نموده و بر موضوعات جدید تأکید داشته باشد که به این (گروه‌بندی احزاب سیاسی) نیز گفته می‌شود فقط این توسعه با تفکیک دوست - دشمن تضاد ندارد (Ulku, 2007, 88).

فرآینده گروه‌بندی احزاب سیاسی به عنوان تحول از حزب ایدئولوژی به حزب مرکز قابل وصف است. این تحول به ضرورت دفاع برای احزاب سیاسی جهت توسعه طیف‌های موضوع و همچنین توسعه نظر و روش در رابطه با هر موضوعی با توجه به شرایط و موقعیت روز اشاره دارد به طور خلاصه انعطاف‌پذیری احزاب سیاسی ضروری است فقط انعطاف‌پذیری احزاب سیاسی را با نقد از دست دادن هویت موجه می‌سازد. با این همه در نظام‌های پارلمانی مدرن ادامه حیات و نگهداری موجودیت احزاب سیاسی بدون انعطاف‌پذیری امکان‌پذیر نخواهد بود. زمانی، که تعادل حساس بین نیاز گروه‌بندی و ضرورت محافظ از هویت حزب فراهم نگردد این فرآیند تحول دردناک و پرمشقت بوده و در نتیجه اعتماد رأی‌دهندگان نسبت به احزاب متزلزل شده و در نهایت در وابستگی شهروندان به احزاب ضعف و سستی مشاهده خواهد شد. بنابراین در فرآیند تحول احزاب وقتی که به موضوعات جدید تأکید می‌ورزند و یا برای رده‌های بالای حزب، سیاسی‌های جدید گردهم می‌آیند باید نسبت به عدم ایجاد تصور و یا ذهنیت در نظر رأی‌دهندگان در رابطه با تغییر اساسی در خط مشی حزب حداکثر دقت مبذول گردد. در غیر این صورت نگرش‌ها و شک و تردیدها در راستای از دست دادن هویت حزب گسترده خواهد شد.

در اصل دردسر و ناراحتی که در درون احزاب سیاسی ترکیه وجود دارد از این موضوع ناشی است. به بیان روشن‌تر احزاب سیاسی در جریان سیاست از اصل تفکیک «ما و دیگران» (دوست - دشمن) که وضعیت آنان را تعیین می‌کنند دور شده‌اند. بنابراین سیاست بنا به بیان اشمیت به عرصه مراکز مهم قدرت رها شده و بدین ترتیب سیاست به شکل تعارض منافع شخصی و دشمنی‌ها و بازی‌های سیاسی شخصی تبدیل شده و یا همچون ادراکاتی ایجاد کرده است (Schmitt, 1975).

در این راستا اگر بیان کنیم که سیاست و در یک مفهوم احزاب سیاسی از وظایف اصلی

خود دور شده‌اند در هر حال زیاد اشتباه بیان نشده است. زیرا احزاب سیاسی به تدریج به سمت همسانی بیشتر گام برمی‌دارند.

حزبی که خود را از دیگران جدا می‌کند هویت خود را از دست داده‌اند. مثال بارز برای این موضوع انتقال‌های نمایندگان و نامزدان مجلس است. در یک انتخابات فردی که از حزب الف نامزد نمایندگی است در انتخابات دیگر از حزب ب نامزد می‌شود. احزاب سیاسی به جای انتظارات رأی‌دهندگان با خودشان مشغول می‌شوند. یک روز اعلام می‌کند که با حزب X نمی‌توانم اتفاق نظر داشته باشم و اما روز بعد انگار به اتفاقات و عمل خود با همان حزب همکاری و اتفاق نظر پیدا می‌کند. این مثال‌ها قابل افزایش است اما نکته‌ای که در این‌جا مورد تاکید است از دست دادن مفهوم سیاست در نزد مردم و پایین آوردن آن به سطح تعارض منافع کوچک و یا این‌چنین استنباط‌ها است.

همه این‌ها در سیاست در راستای «تفکیک دوست - دشمن» تماماً اشاره به آغاز از بین‌رفتن جدایی ما و دیگران است. گرچه در سال‌های اخیر سازگاری^۱ در سیاست مفهوم مد پیدا نموده است. در این‌جا بی‌تردید قصد جنگ و دعوا در سیاست نیست، بیشتر تعارض منافع و در این راستا احترام، محبت، خوش بینی سیاستمداران نسبت به همدیگر می‌باشد. علی‌رغم همه این‌ها سیاست به‌طور ساختاری در چارچوب تفکیک دوست - دشمن باید مشخص و قابل درک و استنباط باشد. لذا ضروری است که سیاست به اصل سرشت و ماهیت خود برگردد. در غیر این صورت بحران‌های حادث از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ می‌تواند هر زمان حالت تکراری داشته باشد. به نظر می‌رسد که انتخابات سوم نوامبر را نیز در راستای «تفکیک دوست - دشمن» بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادن مفید خواهد بود، همچنین تحلیل موفقیت و عدم موفقیت احزاب سیاسی در انتخابات اخیر در چارچوب این تئوری نیز قانع‌کننده بوده و حداقل در آینده هم از لحاظ اندیشه تئوریک و هم از لحاظ عملی سرنخ‌های مهمی را ارائه خواهد نمود.

۵- اهداف و فرضیه‌های تحقیق

نکته اساسی این تحقیق یعنی فرضیات تحقیق را دیدگاه‌های زیر تشکیل می‌دهند:

- ۱- در چارچوب تفکیک «دوست - دشمن» (ما و دیگران) احزاب سیاسی که نتوانند هویت خود را به‌طور مشخص در میان گذارند موفقیت آن‌ها ممکن نخواهد بود.
- ۲- احزاب سیاسی که نتوانند خط تمایز خود با دیگر احزاب را مشخص نمایند، بیانات رهبران گروه‌های آنان موثر نبوده و در مقابل آن‌هایی که برای اولین بار در مقابل انتخاب‌کنندگان قرار می‌گیرند شانس بیشتری برای داشتن حمایت و اعتماد خواهند داشت.
- ۳- استراتژی «ما و دیگران» بر پایه تفکیک دوست - دشمن یک استراتژی مهم انتخابات و

- منبع انگیزه است. احزاب سیاسی که در برنامه خود، فرآیند دوره فعالیت انتخابات، تعیین نامزد و دیگر فعالیت‌ها بتوانند «دیگران» را بیافرینند موفق‌تر هستند. موفقیت حزب‌های عدالت و توسعه و جوان از این لحاظ قابل توضیح است.
- ۴- احزابی سیاسی که در برنامه خود، دوره فعالیت انتخابات و دیگر فعالیت‌ها به جای تصور توانمندسازی حزب موجود با طرفداران تضاد پیدا می‌کنند طرفداران انگیزه خود را از دست داده و سر صندوق‌های رأی نمی‌روند. موفقیت حزب‌های جمهوری خلق، حرکت ملی از این لحاظ قابل توضیح است.
- ۵- از طرف دیگر با فرآیند جهانی شدن کاهش تفاوت‌های ایدئولوژیکی بین احزاب راست و چپ و تشابهات در اقدامات مدل‌های اقتصادی «احزاب راست افراطی» را که هم نمادهای سیاسی را مشخص‌تر می‌تواند به کار برد و تولید سیاست با محوریت انسان، با امتیازتر می‌نماید. در موقعیتی که جهانی شدن همه احزاب را همگن‌تر می‌نماید «راست افراطی» به‌عنوان تنها ترجیح می‌ماند.
- ۶- بعضی بررسی‌ها در مورد انتخاب‌کنندگان ترک به دلایل مختلف از لحاظ ارزش‌های ایدئولوژیکی در ۱۵- ۱۰ سال اخیر به‌طور متوسط بیشتر گرایش به راست و ضعیف شدن کف انتخاب‌کنندگان چپ اشاره دارند. این نیز علت ضعیف شدن راست میانه‌رو و هم مورد ترجیح قرار گرفتن حزب عدالت و توسعه را که در انتخابات فوق خود را دموکرات - محافظه کار معرفی نموده است تشریح می‌نماید.
- ۷- در نهایت ترکیه از سال ۱۹۹۴ به این طرف به‌طور مستمر در شرایط بحران اقتصادی زندگی نموده است و این نیز از طرف قشرهای مختلف جامع به‌طور جدی یک موج اعتراض ایجاد نموده است. بنابراین می‌توان گفت که در انتخابات در بین احزابی که برنامه جدید ارائه نموده و از دیگران سیاست متفاوتی پیشنهاد نموده است این قشر گروه‌های بی‌ثبات (غیر قابل اعتماد) را تشکیل نموده‌اند. برای مثال آرای اعتراض در سال ۱۹۹۵ به حزب رفاه و در سال ۱۹۹۹ به حزب حرکت ملی و در سال ۲۰۰۲ به حزب عدالت و توسعه روانه شده است. این فرضیات که اساس تحقیق را تشکیل می‌دهد در پرتو داده‌های موجود مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این‌جا چون ارائه همه نتایج بررسی مقدور نیست فقط به ارائه قسمتی از یافته‌ها اکتفا خواهیم نمود.

۶- جامعه آماری

داده‌های این تحقیق از تحقیقات انتخاب‌کنندگان که از طرف دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه سلجوق انجام پذیرفته می‌باشد. تحقیقات در آوریل ۲۰۰۱ آغاز شده و اولین

اقدام پرسش نامه در دسامبر ۲۰۰۱ و دومین پرسشنامه یک هفته قبل از انتخابات و آخرین پرسشنامه نیز بلافاصله بعد از تشکیل حکومت توسط حزب عدالت و توسعه (دسامبر ۲۰۰۲) تحقق یافته است.

جدول ۲- ویژگی‌های دموکرافیک آزمودنی‌ها

جنسیت (%)	توزیع سنی (%)
مرد ۵۹/۶	سنین ۱۸-۲۴ ۳۱/۴
زن ۳۶/۴	سنین ۲۵-۳۴ ۲۶/۶
	سنین ۳۵-۴۴ ۲۳/۲
	سنین ۴۴-۵۴ ۱۳/۱
	سنین ۵۵ به بالا ۵/۸
موقعیت درآمدی آزمودنی‌ها (%)	
صاحب درآمد مستمر نیست	۲۲/۵
با حداقل حقوق و دستمزد کار می‌کند	۹/۶
بین ۲۵۰-۴۵۰ میلیون یورو	۱۷/۶
بین ۴۵۰-۶۰۰ میلیون یورو	۱۶/۵
بین ۶۰۰-۸۰۰ میلیون یورو	۱۲/۵
بیشتر از یک میلیارد یورو	۵/۵
بدون جواب	۱۵/۷
موقعیت شغلی آزمودنی‌ها (%)	
زن خانه‌دار	۲۰/۴
دانشجو	۱۴/۰
کارگر با دستمزد	۱۶/۸
کارمند دولت	۲۰/۵
اصناف و کسبه	۱۶/۶
کشاورز	۵/۳
بیکار	۶/۵
موقعیت تحصیلی آزمودنی‌ها (%)	
بدون خواندن و نوشتن	۱/۳
مدرک ابتدایی	۱۵/۷
مدرک راهنمایی	۹/۸
مدرک دبیرستان	۴۲/۲
مدرک دانشگاهی	۲۰/۹

ارزیابی‌های این تحقیق بر پایه تنظیم پرسش‌نامه بعد از انتخابات که شامل ۳۷ ایالت و برای جمعیت بالای ۱۸ سال با هدف سنجش ارزش‌های سیاسی و اولویت‌های حزبی می‌باشد. پرسشنامه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بر روی ۳۹۸۶ آزمودنی با مذاکره تحقق یافته است. ویژگی‌هایی دموکرافیک آزمودنی‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

۱-۶- انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و مشارکت سیاسی

قبل از وارد شدن به بررسی عوامل تعیین‌کننده ترجیح‌های حزبی در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ موضوع مهمی که باید بر روی آن تأکید داشت پایین بودن مشارکت در انتخابات است. همان طوری که در بالا نیز ذکر شد انتخابات اخیر یکی از انتخاباتی است که پایین‌ترین میزان رأی از آرای واجد شرایط و بالاترین میزان عدم مشارکت است. طبق آمار ثبت شده از ۴۱/۴ میلیون انتخاب‌کننده، ۳۱/۵ میلیون (۷۹٪) رأی داده در مقابل تقریباً ۹ میلیون (۲۱٪) نفر رأی نداده‌اند که این رقم کمترین میزان مشارکت و به بیان دیگر بالاترین میزان عدم مشارکت در ۳۰ سال اخیر است. اگر این وضع را به‌عنوان بی‌تفاوتی مردم به سیاست توصیف کنیم می‌توان گفت که ترکیه با یک پدیده جدید مواجه است. کاهش آنی مشارکت با رأی دادن از لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی تحول مهمی است که باید بررسی گردد. چون که به‌طور طبیعی افرادی که دارای آگاهی ملی و شهروندی هستند انتظار می‌رود که در انتخابات زحمت رفتن به محل صندوق رأی را متحمل و به یکی از احزابی که به خودشان نزدیک می‌بینند رأی دهند. برای توضیح علت عدم مشارکت در رأی دادن می‌توان به دو نظر متفاوت مراجعه نمود: یکی از این‌ها علت اعتماد افراطی افراد به نظام و عدم احساس نیاز به رأی دادن است. دیگری نیز به علت از دست دادن اعتماد شهروندان به نظام است که رأی نمی‌دهند. در این مفهوم عدم مشارکت شهروندان در انتخابات و یا رأی دادن ممتنع به عنوان یک اقدام اعتراض و یا واکنش سیاسی ارزیابی می‌شود (Kardam, 1998).

جدول ۳- اعتماد سیاسی و مشارکت در انتخابات

اعتماد به نهادها	رای‌دهندگان	رأی نه‌دهندگان	تفاوت
حکومت موجود	۶۰/۱	۴۸/۱	۱۲/۰
مجلس ملی (پارلمان)	۵۹/۷	۴۵/۲	۱۴/۵
دادگاه‌ها	۴۶/۲	۲۹/۵	۱۶/۷
کارکنان	۳۰/۴	۲۱/۶	۸/۸
ارتش	۶۶/۵	۶۲/۱	۴/۴
احزاب سیاسی	۱۹/۰	۸/۹	۱۵/۱

با توجه به نتایج حاصل از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ از این دو دیدگاه کدامیک بیشتر قابل پذیرش است. به این پرسش تنها می‌توان با تجزیه و تحلیل داده‌های مبتنی بر تحقیقات افکار عمومی پاسخ یافت. ارزیابی‌های ما در این جا به یافته‌های گروه ۴۴۰ نفری که در پرسشنامه مشارکت نموده و در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ رای ندادند متکی است. نخستین موضوعی که بایستی بر آن تأکید داشت رابطه بین اعتماد سیاسی و رأی دادن است.

داده‌های موجود در جدول ۳، در این خصوص سرنخ‌های مهمی ارائه می‌دهد. نتایج مهم حاصل از جدول ۳ بیانگر این است که بین رای‌دهندگان و رای نه‌دهندگان در مورد اعتماد به نهادهای سیاسی یک تفاوت بارز وجود دارد. غیر از اعتماد به ارتش، در اعتماد رأی نه‌دهندگان نسبت به حکومت، مجلس، بوروکراسی، و احزاب سیاسی یک تفاوت مشخص بین ۸٪ الی ۱۶٪ جلب توجه می‌نماید. این مفهوم بدین معنی است که انتخاب‌کنندگان به نهادهای موجود سیاسی و اداری اعتماد نداشته و بر این باور هستند که احزاب سیاسی متفاوت که بر سر کار می‌آیند نظام سیاسی موجود را به نفع شهروندان (ملت) تغییر نخواهند داد. و یا برعکس انتخاب‌کنندگانی

جدول ۴- ترجیح‌های حزبی در انتخابات ۱۹۹۹ برای افرادی که در انتخاب سوم نوامبر ۲۰۰۲ مشارکت نداشته‌اند (رأی نداده‌اند)

	در سال ۱۹۹۹ به چه کسی رأی دادند	%
که رای	در سال ۱۹۹۹ رأی نداده‌اند	۰.۳۵
باورند	در سال ۱۹۹۹ جزو انتخاب‌کنندگان نبوده‌اند	۰/۱۵
موجود را به	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب حرکت ملی	۹/۱
تأثیر قرار	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب دموکراتیک چپ	۸/۹
پرتو این	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب مام میهن	۵/۲
گفت که	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب راه راست	۳/۲
انتخابات ۲۰۰۲	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب جمهوری خلق	۲/۷
نکرده‌اند و به	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب رفاه	۱/۴
آن‌هایی که	در سال ۱۹۹۹ رأی‌دهندگان به حزب دموکراتیک خلق	۱/۴
دادن خود	به‌خاطر ندارند	۶/۱

در زمینه این رفتار آن‌ها نسبت به نظام یک احساس بی‌اعتمادی و گرایش اعتراض نهفته است.

یک موضوع مهم نیز در رابطه با ترجیح‌های حزبی قبلی افراد است که در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ رای نداده‌اند. در جدول ۴ این اطلاعات روشن‌کننده ارائه شده است. رأی نه دهندگان (۳۰ درصد) در انتخابات دوره قبل نیز این گروه‌گان را تشکیل

جدول ۵- علت رأی نه دادن

مفهوم این‌ها را	٪	پاسخ مربوط به پرسش چرا رأی ندادید	داده اند. در
عنوان توصیف گروه دوم	۳۰/۵	به علت این که سیاستمداران اقناع‌کننده نیستند	سیاسی می‌توان به
	۲۳	به علت این که باور ندارم انتخابات تغییرات مهمی را به وجود می‌آورد	گروه منفعل
	۱۰	به علت این که احزاب به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند	نمود. در
	۹	به علت این که به رهبران اعتماد نمانده است	نیز
	۳	به علت این که احزاب مغایر فلسفه اساسی خود رفتار می‌کنند	
	۲	به علت این که نمی‌خواهم به حزب سیاسی دیگر رأی دهم	

انتخاب‌کنندگان جدید قرار می‌گیرند. به این‌ها انتخاب‌کنندگانی که هنوز به رأی دادن عادت ننموده‌اند گفته می‌شود.

در بین رأی نه دهندگان گروه مهمی را انتخاب‌کنندگان احزاب اقتدار تشکیل می‌دهند. قبل انتخابات که احزاب (دموکراتیک چپ - حرکت ملی - مام میهن) در اقتدار بودند از کف آن‌ها قشر قابل ملاحظه‌ای به عنوان اعتراض در انتخابات به صندوق‌های رأی نرفته‌اند. گرایش یا عدم گرایش این انتخاب‌کنندگان به احزاب قبلی خود در انتخابات بعدی مشخص خواهد شد. اما از حالا با اطمینان زیادی قابل پیش‌بینی است احزابی که در سیاست‌شان به خواسته‌ها و مطالبات شهروندان حساسیت کافی نشان ندهند در آینده با مسائل و مشکلات جدی مواجه خواهند بود. این وضع هم در مورد احزاب بیرون از مجلس مانند حرکت ملی، مام میهن و راه

راست و هم حزب حاکم در مجلس (عدالت و توسعه) و حزب مخالف (جمهوری خلق) نیز مطرح است.

پاسخ پرسش از افرادی که چرا رأی نداده‌اید؟ از لحاظ ارائه دلایل مستقیم رفتار عدم مشارکت در انتخابات اهمیت دارد. (جدول ۵) بر این اساس مهمترین عوامل بی‌علاقه‌گی انتخاب‌کنندگان در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ عبارت است از:

۱ - اقناع‌کننده نبودن سیاستمداران (۳۰/۵٪)

۲ - عدم باور بر تغییرات مهم از طریق انتخابات (۲۳٪)

۳ - عمل نکردن احزاب به وعده‌های خود (۱۰٪)

۴ - عدم اعتماد به رهبران (۹٪)

این یافته‌ها با داده‌های مربوط به اعتماد سیاسی که در بالا بدان اشاره رفت مطابقت نشان می‌دهد. به‌طور خلاصه اکثریت افرادی که رأی نداده‌اند کسانی هستند که به احزابی که در مورد هویت سیاسی با مشکل مواجه‌اند و بدین ترتیب نسبت به نظام سیاسی اعتماد خود را از دست داده‌اند. به عبارت دیگر این‌ها انتخاب‌کنندگانی هستند که نسبت به نظام بیگانه شده‌اند. این وضع نیز از لحاظ استقرار دراز مدت رژیم دموکراتیک می‌تواند یک پیام خطر باشد.

۲-۶- عوامل موثر بر ترجیح حزبی انتخاب‌کنندگان

۱-۲-۶- دستور کار سیاسی انتخاب‌کنندگان و ارزیابی‌های حزب

همان طوری که در بحث‌های نظری رای دادن مطرح گردید ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان از طریق عوامل بلندمدت از قبیل علاقه گروه‌های اجتماعی، گرایش‌های ایدئولوژیک، وابستگی‌های روانی و هم عوامل کوتاه‌مدت از قبیل تحولات اقتصادی، عملکرد حزب حاکم و نامزدان حزب تعیین می‌گردند. در این میان مسائل مهم مطرح در اوضاع و احوال انتخابات و راه‌حل‌های پیشنهادی احزاب در حال رقابت در راستای این مسائل نیز (وعده‌های انتخابات) در تعیین جهت رأی انتخاب‌کنندگان بسیار حائز اهمیت است.

برنامه پشت پرده انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ در حد زیادی دو بحران اقتصادی بزرگ را تشکیل داده است (Akgun, 2002, 160). بحران نوامبر سال ۲۰۰۰ و بعد از آن بحران فوریه ۲۰۰۱ از عمیق‌ترین بحران اقتصادی تاریخ جمهوری ترکیه بوده است. در نتیجه این بحران‌ها

جدول ۶- دستور کار انتخاب‌کنندگان: بحران اقتصادی و آثار آن

مهمترین مسئله‌ای که ترکیه با آن مواجه است و بایستی هرچه زودتر حل شود چیست؟	%
اقتصاد	۷۲
بیکاری	۴۷
اتحادیه اروپا	۲۰
دموکراسی و حقوق بشر	۱۰
عدالت	۸
بحران اقتصادی شما را چگونه تحت تاثیر قرار داد	
هزینه‌های پوشاک را محدود کردم	۶/۵
هزینه‌های خوراکی را کاهش دادم	۲۸
به مسکن با اجازه و هزینه کم نقل مکان کردم	۴/۴
ماشین‌ام را فروختم	۳/۵
مسکن و مغازه و یا قطعه زمین‌ام را فروختم	۳
به اجراء گذاشته شدم	۱

جدول ۷- به نظر شما این مشکل را کدام حزب سیاسی بهتر می‌تواند حل کند

حزب	%
حزب عدالت و توسعه	۴۰/۲
حزب جمهوری خلق	۱۴/۳
حزب حرکت ملی	۵/۹
حزب راه راست	۲/۹
حزب جوان	۲/۳
حزب سعادت	۱/۴
حزب مام میهن	۱/۱
حزب دموکراتیک مردم	۱/۰

در سال ۲۰۰۱ اقتصاد ترکیه ۹/۴٪ کوچک شده در آمد سرانه ملی از سطح ۳ هزار دلار به رقم ۲۰۰۰ دلار کاهش یافته است.

برای مبارزه با بحران از صندوق بین المللی پول (IMF) درخواست کمک شده و برای رأس امور اقتصاد شخصاً از طرف نخست وزیر، شخصی از واشنگتن دعوت و به عنوان وزیر انتصاب گردید. حکومت برای انجام دادن اصلاحات ساختاری مجبور به اخذ تدابیر ثبات اقتصادی شد. اساس این تدابیر نیز عبارت بودند از افزایش مالیات، کاهش و محدودیت در هزینه‌های عمومی، صرفه‌جویی در نهادهای دولتی.

به طوری که از انتخاب‌کنندگان خواسته شد سه مشکل اصلی را که ترکیه با آن مواجه است و بایستی هرچه زودتر حل شود، بیان نمایند در این میان اقتصاد (۷۲٪) و بیکاری (۴۷٪) دو مشکل بزرگ بود که اولویت‌بندی شد. (جدول ۶) و بعد از آن به ترتیب موضوعاتی از قبیل رابطه با اروپا، دموکراسی و حقوق بشر می‌آیند. به علت بحران اقتصادی اکثر آزمودنی‌ها یا در هزینه‌های پوشاک (۶/۵٪) و یا در هزینه‌های خوراک برای خودشان محدودیت ایجاد نموده‌اند به بیان دیگر بحران، استاندارد زندگی مردم ترکیه را به پایین کشیده و حتی در نیازهای اساسی انسانی مجبور به محدودیت شده‌اند. از طرف دیگر در فرآیند مبارزه با بحران، شکاف و تردید به وجود آمده در حکومت ائتلافی برای اخذ تصمیم‌های ضروری و حیاتی نیز به شدت باعث بی‌اعتمادی افکار عمومی نسبت به احزاب مقتدر گردید.

در این پرسش برای آزمودنی‌ها که برای حل مشکلات فوق کدام حزب سیاسی بهتر می‌تواند راه حل داشته باشد نیز پیروز انتخابات یعنی حزب عدالت و توسعه با ۴۰٪ در اولویت اول قرار گرفته است.

یعنی این که حتی انتخاب‌کنندگانی به حزب عدالت و توسعه رای نداده‌اند به ظرفیت و توان حل مشکل حزب حاکم اعتماد داشته‌اند. حزب رقیب بزرگ یعنی حزب جمهوری خلق نیز یا کمتر از میزان رأی اخذ شده در انتخابات ۲۰۰۲ از طرف گروه انتخاب‌کنندگان برای حل مشکل مورد اعتماد قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که در آغاز سال ۲۰۰۱ هنوز حزب عدالت و توسعه که در مرحله تشکیل است شهروندان طیب اردوغان را به عنوان یک رهبر برای حل مشکل ارزیابی می‌کنند.

۲-۲-۶- ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲

در این جا سعی می‌شود که به تحلیل تفصیلی ترجیح‌های حزبی انتخاب‌کنندگان در احزابی که در سوم نوامبر ۲۰۰۲، ۷٪ یا بیشتر رأی اخذ نموده‌اند تأکید گردد و بر احزاب دیگر تنها در صورت لزوم اشاره خواهد شد.

می‌توان گفت که بین باور انتخاب‌کنندگان در خصوص قابلیت حل مشکل احزاب با

جدول ۸- در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ به کدام حزب‌ها رای دادید

٪	
۳۳/۶	حزب عدالت و توسعه
۱۸/۸	حزب جمهوری خلق
۸/۹	حزب حرکت ملی
۸/۶	حزب راه راست
۴/۷	حزب جوان
۳/۱	حزب سعادت
۳/۸	حزب مام میهن
۴/۷	حزب دموکراتیک مردم
۱/۵	حزب دموکراتیک چپ
۰/۹	حزب اتحاد بزرگ
۰/۸	حزب نوین ترکیه
۱۱/۱	رای ندادم

جدول ۹- اگر امروز انتخابات باشد به حزبی که قبلاً رای دادید باز هم رای می‌دهید

طرفداران حزب جوان	طرفداران حزب حرکت ملی	طرفداران حزب راه راست	طرفداران حزب جمهوری خلق	طرفداران حزب عدالت و توسعه	کل	
۷۸/۸	۸۱/۱	۶۳/۲	۸۱/۴	۹۰/۱	۷۲/۷	بلی می‌دهم
۱۹/۵	۱۶/۰	۳۰/۱	۱۴/۸	۵/۵	۱۲/۰	خیر نمی‌دهم
۱/۸	۳/۰	۶/۷	۴/۷	۴/۴	۱۵/۲	بدون پاسخ

جدول ۱۰- به حزب به لحاظ این که واقعاً خوب بود رأی دادید و یا این که در بین بدها خوب بود رأی دادید

رای دهندگان به حزب جوان	رای دهندگان به حزب حرکت ملی	رای دهندگان به حزب راه راست	رای دهندگان به حزب جمهوری خلق	رای دهندگان به حزب عدالت و توسعه	کل	
۴۰/۷	۶۵/۶	۴۷/۲	۴۹/۸	۷۱/۶	۵۳/۸	واقعاً به خوب بودن حزب اعتقاد دارم و بدان جهت رای دادم
۵۸/۴	۳۳/۱	۴۶/۶	۴۸/۹	۲۷/۲	۳۲/۴	بدان جهت رأی دادم که در بین احزاب بد خوب بود
۰/۹	۱/۳	۶/۲	۱	۱/۲	۱۵	بدون پاسخ

میزان رأی دریافتی آن حزب در انتخابات فوق رابطه بسیار نزدیک وجود دارد. این نتیجه را در جدول ۸ به خوبی می توان دید.

آیا انتخاب کنندگان از ترجیح‌هایی که در صندوق‌های رأی انتخاب نمودند رضایت دارند؟ برای تأیید این پرسش از انتخاب کنندگان سوال شده است که اگر امروز انتخابات باشد باز هم به همان حزب رأی می‌دهید؟ که نشان داده شده است که ۷۲٪ ترجیح خود را تغییر نمی‌دهند (جدول ۹).

انتخاب کنندگان احزاب عدالت و توسعه و جمهوری خلق که موفق شدند به مجلس راه یابند از ترجیح خود خیلی راضی و دیگری‌ها نیز نسبتاً کمتر راضی بوده‌اند. به ویژه ۳۰٪ انتخاب کنندگان که به حزب راه راست رأی داده‌اند گفته‌اند که دیگر به این حزب رأی نمی‌دهیم و این نشانگر پیامی است که این حزب در آینده با مشکلات بزرگی مواجه خواهد بود. و ۷۸/۸٪ رأی دهندگان به حزب جوان که گفته‌اند دوباره به این حزب رأی می‌دهیم؛ بدین شکل قابل تفسیر است که این حزب در حیات سیاسی ترکیه گروه انتخاب کنندگانی را برای خود در حال شکل دادن است.

موضوع مهم دیگر این پرسش است که انتخاب کنندگان واقعاً ترجیح حزبی را از روی علاقه و آگاهانه انتخاب می‌کنند یا این که از روی بی‌تفاوتی انعکاس یک نگرش لحظه‌ای است

داده‌ها نشان می‌دهد که تنها ۵۳/۸٪ افراد به حزبی که رأی داده است واقعاً به خوب بودن آن حزب اعتقاد دارد و ۳۲/۴٪ نیز به لحاظ این که در بین احزاب بد حزب خوب بوده است به آن حزب رأی داده است (جدول ۱۰). این نسبت‌ها در حالی که برای احزاب جمهوری خلق و راه راست به نصف نزدیک است برای احزاب عدالت و توسعه و حرکت ملی اعتماد بالاتری را از طرف انتخاب کنندگان نشان می‌دهد. در این جا به طور آشکار اشاره‌های تحلیل رفتن اعتماد مردم به احزاب سیاسی و نگرش‌های پارتی‌زانی انتخاب کنندگان دیده می‌شوند.

بدون تردید توضیح قابل اعتماد در رابطه با علت ترجیح حزب برای رأی دادن، اطلاعاتی است که متکی بر بیان خود انتخاب کنندگان می‌باشد. با توجه به داده‌های ارائه شده در جدول ۱۱ مهمترین عامل تعیین کننده ترجیح‌های حزبی انتخاب کنندگان احساس نزدیکی کردن به فلسفه و ایدئولوژیکی حزب (۳۶/۸٪) عامل دوم نیز پذیرش و تأیید رهبران حزب است (۱۳/۵٪). گویا هویت حزب و نگرش سیاسی که آن را نمایندگی می‌کند، و رهبران حزب که این هویت را در شخص خود نشان می‌دهند در توصیف رفتار انتخاب کنندگان ترک به عنوان دو عامل انتفادی قابل شناسایی است.

اگر بین رهبران و هویت حزب یک رابطه مستقیم بر قرار نباشد آن حزب یا موفق نبوده

جدول ۱۱- علت ترجیح حزبی که به آن رای داده‌اند

طرفداران حزب چون	طرفداران حزب حرکت ملی	طرفداران حزب راه راست	طرفداران حزب جمهوری خلق	طرفداران حزب عدالت و توسعه	کل	
۷/۱	۷۱/۲	۳۶/۳	۵۷/۵	۲۷/۳	۳۶/۸	به‌علت این‌که فلسفه و ایدئولوژی حزب را به خود نزدیک دیدم
۴۲/۵	۷/۵	۱۴/۱	۶/۰	۲۲/۳	۱۳/۵	به‌علت این‌که رهبر حزب را قبول داشتم.
۲۹/۲	۶/۱	۷/۲	۱۳/۵	۱۸/۰	۱۱/۶	برای آزمایش و تجربه کردن
۱۰/۶	۳/۲	۵/۷	۵/۶	۱۸/۸	۱۰	به‌علت این‌که حزب را به مردم نزدیک دیدم
۱/۸	۱/۶	۸/۸	۷/۳	۳/۷	۴/۳	به‌علت این‌که نامزدان حزب را قبول داشتم
۰/۰	۳/۲	۷/۳	۱/۴	۳/۷	۳/۰	به‌علت این‌که اقدامات حزب را قبول داشتم
۵/۳	۴/۳	۱۲	۴/۹	۳/۵	۴/۵	به دلایل دیگر
۳/۵	۲/۹	۸/۶	۳/۸	۲/۵	۱۶/۵	بدون پاسخ

جدول ۱۲- با توجه به انتخابات سال ۱۹۹۹ لغزش آراء بین احزاب

انتخاب‌کنندگان حزب جوان	انتخاب‌کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب‌کنندگان حزب راه راست	انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب‌کنندگان	حزبی که در سال ۱۹۹۹ رای داده است
۱۷/۷	۶۶/۷	۷/۳	۳/۰	۲۵/۹	۱۶/۵	حزب حرکت ملی
۲۱/۲	۱/۳	۶/۲	۳۱/۱	۷/۷	۱۸/۷	حزب دموکراتیک چپ
۲۰/۴	۲/۷	۶/۷	۵/۴	۱۱/۱	۱۰/۱	حزب مام میهن
۲/۷	۰/۰	۱/۰	۳۲/۱	۱/۹	۸/۲	حزب جمهوری خلق
۱/۸	۱/۳	۰/۵	۰/۵	۱۷/۴	۱۱/۲	حزب رفاه
۷/۱	۲/۱	۶۱/۱	۲/۷	۷/۲	۱۰/۵	حزب راه راست
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۵	۰/۴	۲/۵	حزب دموکراتیک مردم
۸/۸	۱۰/۱	۳/۶	۷/۳	۶/۷	۸/۴	انتخاب‌کننده نبودم
۱۴/۲	۱۰/۹	۵/۲	۹/۴	۱۳/۰	۱۰/۴	رای ندادم
۴/۵	۴/۱	۷/۲	۷/۴	۴/۶	۳/۵	بخطا ندارم

یا موفقیت آن محدود خواهد بود. برای مثال با این که تأیید اکثریت انتخاب کنندگان حزب‌های حرکت ملی و جمهوری خلق بیان داشته‌اند فلسفه و ایدئولوژی حزب را برای خودشان نزدیک می‌بینند اما رهبران حزب را با ایدئولوژی و هویت حزب همسان ندیده‌اند. در مقابل برای احزاب عدالت و توسعه و جوان موقعیت متفاوت است.

خصوصاً تفسیرها در مورد نقش با اهمیت رهبری کاریزمای طیب اردوغان در پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات نیز از طریق داده‌ها تأیید می‌گردد. ۲۲/۳٪ رای‌دهندگان به حزب عدالت و توسعه، این حزب و رهبر آن را قبول داشته و ۱۸/۸٪ نیز به علت این که این حزب را به مردم نزدیک دیده‌اند علت ترجیح بیان کرده‌اند. اما بیشترین سهمی که رهبر در موفقیت آن حزب داشته است حزب جوان می‌باشد ۴۲/۵٪. به بیان دیگر در موفقیت احزاب عدالت و توسعه و جوان رهبران حزب نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. در مقابل تأثیر رهبران احزاب حرکت ملی، جمهوری خلق، مام میهن در نتیجه انتخابات خیلی کم و یا اصلاً تأثیری نداشته‌اند. وقتی از این زاویه نگاه می‌شود می‌توان گفت که علت عدم توسعه آراء حزب جمهوری خلق و عدم ورود احزاب حرکت ملی، مام میهن و راه راست به مجلس در دوره فعالیت انتخابات رهبران این احزاب نتوانسته‌اند هویت حزب را در شخص خود تجلی نمایند.

۳-۲-۶- علل تغییر در ترجیح‌های انتخاب‌کنندگان

انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲، همه احزابی را که در انتخابات سال ۱۹۹۹ با کسب ۱۰٪ یا بیشتر توانسته بودند به مجلس ملی راه یابند تصفیه نموده و در حالی که حزب جدیدالتأسیس را (حزب عدالت و توسعه) به اقتدار سوق داده حزب دیگری را نیز (جمهوری خلق) که در دوره انتخابات قبلی نتوانسته بود به مجلس راه یابد به موقعیت اولین حزب رقیب درآورده است. یعنی در ترجیح‌های انتخاب‌کنندگان در بین دو انتخابات یک لغزش ترجیح چشمگیر به وجود آمده است. همان طوری که در آغاز این بررسی اشاره گردید در این انتخابات ضریب شناوری (جابه‌جایی) انتخاب‌کنندگان ۵۴٪ است. به بیان دیگر ۵۴٪ انتخاب‌کنندگان نسبت به انتخابات قبلی، رأی خود را تغییر داده‌اند. لغزش آراء بین احزاب در جدول ۱۲ نشان داده شده است.

در این جا تأکید بر چند نکته مفید خواهد بود. نخست انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه را به‌طور قابل ملاحظه‌ای انتخاب‌کنندگان احزاب راست‌گرا از قبیل حرکت ملی (۲۵/۹٪)، رفاه (۱۷/۴٪)، مام میهن (۱۱/۱٪) و رأی‌دهندگان قبلی تشکیل داده است. حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۰۲ نتوانسته است خصوصاً انتخاب‌کنندگانی را که در سال ۱۹۹۹ به احزاب رفاه، مام میهن و حرکت ملی رأی داده و از آن‌ها خشنود نبوده‌اند به خود جلب نماید. پس می‌توان گفت که حزب عدالت و توسعه یک حزب با کف راست و محافظه‌کار می‌باشد.

حزب جمهوری خلق نیز که قبل از انتخابات سعی نموده است این تصور را ایجاد نماید که تنها حزب چپ خواهد بود که از سد عبور به مجلس خواهد گذشت موفق گشته و توانسته است قسمتی از آرای حزب دموکراتیک چپ را به خود جلب کند. اما موفقیت این حزب تنها در این حدود باقی مانده و نتوانسته است به کف آرای احزاب دیگر دست یابد. با توجه به این نتایج اصطلاح تعبیر «چپ آناتولی» به حزب جمهوری خلق برای انتخاب کنندگان محافظه کار منطقه آناتولی متقاعدکننده نبوده است.

در مورد حزب جوان که قبل از انتخابات ادعا شده بود که از کف انتخاب کنندگان احزاب حرکت ملی و راه راست به خود جلب می نماید بیشتر انتخاب کنندگان که از احزاب دموکراتیک

جدول ۱۳- چرا حزبی را که در سال ۱۹۹۹ به آن رأی دادید رها نمودید؟

حزب قبلی	کل	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب بهران
به علت این که از اصول اساسی منصرف شده بود	۱۰/۸	۱۵/۷	۱۱/۶	۵/۷	۳/۵	۱۲/۴
به علت این که رهبر را قبول نداشتیم	۶/۸	۸/۷	۹/۵	۲/۱	۲/۱	۱۵/۹
به علت این که به وعده های داده شده عمل نمی کرد	۱۷/۵	۲۸/۰	۱۳/۳	۱۴/۵	۵/۶	۲۸/۳
به علت این که به اتحاد های ناخواسته وارد می شد	۲/۱	۳/۶	۱/۷	۱۰۶	۱/۵	۲/۷
به علت اینکه از مردم گسسته شده بود	۴/۵	۷/۸	۴/۴	۰/۵	۱/۱	۸/۸
به علت این که به انتخاب کنندگان خود محل نمی گذاشت	۲/۴	۳/۰	۲/۲	۳/۱	۲/۴	۴/۴
به علل دیگر	۷/۰	۹/۸	۴/۹	۵/۲	۵/۶	۴/۴
بدون پاسخ	۴۹/۱	۲۳	۵۲/۴	۶۷/۴	۸۰	۲۳

چپ و مام میهن و نسبتاً لائیک و لیبرال چپ بودند به خود جلب نمود. از طرف دیگر این حزب با بهره گیری از فنون برنامه ریزی و وسایل رسانه ای توانست افرادی را که در انتخابات قبلی رأی نمی دادند به نفع خود بسیج نماید. چون که با توجه به داده ها سهم رأی ندهندگان در درون کل آراء با نسبت ۱۴/۲٪ جلب توجه می نماید.

برای پرسش؛ چرا حزب قبلی خود را رها کردید؟ نزدیک به نصف (۴۹٪) آزمودنی ها بدون پاسخ گذاشته اند و در این مورد نخواسته اند نظری را بیان کنند در بین علل رها کردن حزب قبلی ۱۷٪ انتخاب کنندگان، به جا نیاموردن وعده ها، ۱۰/۸٪ منصرف شدن حزب از اصول اصلی خود و ۶/۸٪ نیز عدم قبولی رهبران حزب را به عنوان عوامل تعیین کننده بیان نموده اند.

با توجه به این که کف انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه از احزاب متفاوت تشکیل شده است، علل رها نمودن انتخاب کنندگان و گرایش آنان به حزب عدالت و توسعه در سایه داده های جدول ۱۳ قابل بررسی است. بر این اساس گرایش انتخاب کنندگان به حزب جدیدالتأسیس عدالت و توسعه و رها نمودن حزب قبلی به لحاظ به جا نیاموردن وعده ها (۱۸٪)،

فاصله گرفتن از اصول اصلی (هویت حزب)، (۱۵/۷٪) و گسستن از مردم (۷/۸٪) بوده است. پاسخ‌های مشابه در مورد حزب جوان نیز صادق است.

از این‌ها این نتیجه حاصل است که دیگر انتخاب‌کنندگان ترک به هر قیمتی هم باشد همیشه به یک حزب وفادار نمانده و ترجیح خود را بر اساس عقلانیت متکی می‌نماید. از طرف دیگر احزابی که تفکیک اصل «ما و دیگران» (دوست و دشمن) را که از طرف اشمیت (۱۹۷۵) بیان گردیده است از دست می‌دهند و نمی‌توانند از هویت حزب محافظت نموده انتخاب‌کنندگان خود را نیز از دست خواهند داد. حزب عدالت و توسعه نیز اگر این احساس انتخاب‌کنندگان ترک را درست درک نکنند در انتخابات آینده نهایتاً به چنین عاقبتی دچار خواهد شد.

۴-۲-۶- نگرش‌های ایدئولوژیکی، ارزش‌های اجتماعی و ترجیح‌های حزبی
رابطه بین اقدامات روانشناسی اجتماعی انتخاب‌کنندگان با ترجیح‌های حزبی مدت‌ها است که به ویژه از طرف مکتب میسگان مورد تأکید قرار می‌گیرد. به طور خلاصه انتخاب‌کنندگان در پیوستار سیاسی چپ - راست خود را در چه وضعیتی قرار دادن و کسب آرای احزاب یک رابطه مستقیم وجود دارد. به طوری که بعضی بررسی‌ها در روی انتخاب‌کنندگان

جدول ۱۴- نگرش‌های ایدئولوژیکی انتخاب‌کنندگان و ترجیح‌های حزبی

حزب قبیلی	کل انتخاب‌کنندگان	انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب‌کنندگان حزب راه راست	انتخاب‌کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب‌کنندگان حزب بهران
چپ افراطی هشتم	۴/۰	۰/۴	۷/۳	۱/۰	۰/۶	۱/۸
چپ میانه‌رو هشتم	۱۵/۰	۱/۹	۵۰/۶	۲/۱	۲/۶	۳/۵
نه چپ نه راست کاملاً میانه‌رو هشتم	۲۵/۸	۲۹/۷	۲۲/۵	۲۲/۸	۱۶/۳	۴۳/۴
راست میانه‌رو هشتم	۲۳/۵	۳۶/۷	۲/۳	۴۹/۲	۳۶/۲	۱۵/۹
راست افراطی هشتم	۶/۸	۵/۵	۰/۲	۵/۲	۳۱/۲	۱/۰
هیچکدام نیستم	۲۳/۳	۲۵/۱	۱۶/۳	۱۹/۷	۱۲/۵	۳۳/۵

جدول ۱۵- ارزش‌های اجتماعی انتخاب‌کنندگان و ترجیح‌های حزبی

حزب قبیلی	کل انتخاب‌کنندگان	انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه	انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب‌کنندگان حزب راه راست	انتخاب‌کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب‌کنندگان حزب بهران
ارزش‌های ملی	۲۲/۷	۱۶/۵	۳۲/۶	۴۸/۰	۴۸/۰	۲۵/۷
ارزش‌های دینی	۳۷/۸	۴۰/۱	۱۲/۵	۲۱/۰	۲۱/۰	۱۱/۵
ارزش‌های اخلاقی و آداب و رسوم	۱۰/۰	۱۱/۵	۱۹/۲	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۹/۵
حقوق بشر و دموکراسی	۲۵/۸	۲۳/۸	۲۵/۰	۴/۳	۴/۳	۲۴/۸
لائیک	۱۰/۰	۴/۹	۷/۸	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۳/۳
آزادی‌های فردی	۲/۴	۲/۲	۴/۵	۱/۳	۱/۳	۵/۳

ترک نیز نشان می‌دهد افرادی که خود را چپ‌گرا حس می‌کنند در کل به احزاب چپ و کسانی که خود را راست‌گرا حس می‌کنند به احزاب راست رأی می‌دهند. (Akyol, 2002, 80)

در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ رابطه بین ارزش‌های ایدئولوژیکی و ترجیح‌های حزبی در جدول ۱۴ نشان داده شده است.

با یک دید کلی نگرش‌های ایدئولوژیکی انتخاب‌کنندگان ترک بیشتر در میانه روی متمرکز شده و آن‌هایی که خود را در چپ افراطی (۴٪) و یا راست افراطی (۸/۶٪) می‌بینند در یک نسبت خیلی پایین نشان داده می‌شوند.

با این همه در بین انتخاب‌کنندگان آن‌هایی که خود را در راست میانه رو می‌بینند (۲۳/۵٪) نسبت به آنانی که خود را در چپ میانه‌رو (۱۵٪) می‌بینند بیشتر است. از طرف دیگر یک قشر قابل توجهی انتخاب‌کننده نیز (۸/۲۵٪) خود را نه راست و نه چپ معرفی می‌نمایند. این‌ها اگرچه از لحاظ ایدئولوژیکی مستقل باشند اما از لحاظ نتایج انتخابات یک قدرت تعیین‌کننده توصیف می‌شوند.

اگر از منظر احزاب نگاه کنیم انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه را ۳۶/۷٪ از قشر راست میانه‌رو و حدوداً ۳۰٪ را نیز قشر میانه‌رو تشکیل می‌دهند. و حزبی که در کف آرای خود بیشترین نسبت انتخاب‌کنندگان راست میانه‌رو را نمایندگی می‌کند حزب راه راست است. حزب جمهوری خلق نیز با اکثریت آراء انتخاب‌کنندگان که خود را چپ میانه‌رو (۵۰/۶٪) معرفی می‌کنند به خود اختصاص می‌دهد.

حزب جوان از بین انتخاب‌کنندگان ۴۳/۴٪ از قشر کاملاً میانه‌رو و ۱۵/۹٪ نیز راست میانه را تشکیل می‌دهد. به‌طور خلاصه نگرش‌های ایدئولوژیکی چپ - راست انتخاب‌کنندگان ترجیح‌های حزبی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده اما لغزش آراء در بین بلوک راست و چپ خیلی محدود مانده است.

بررسی ارزش‌های اجتماعی انتخاب‌کنندگان و رابطه آن با ترجیح‌های حزبی نیز برای ما هم از لحاظ آگاهی این که احزاب از کدام قشر آراء کسب نموده و هم از لحاظ تثبیت هویت سیاسی احزاب سرنخ‌های مهمی را فراهم می‌نماید.

با توجه به داده‌ها اولین چیزی که جلب توجه می‌نماید این است که به‌طور کلی قشر قابل ملاحظه‌ای از انتخاب‌کنندگان ترک به ارزش‌هایی که به‌طور خلاصه ملی‌گرا - محافظه‌کار گفته می‌شود گرایش و توجه دارند. به‌طوری که جمع افرادی که ارزش‌های ملی (۲۲/۷٪)، دینی (۲۷/۸٪) و اخلاقی (۱۰٪) را با اهمیت دیده‌اند به ۶۰٪ رسیده است. در گروه دوم نیز حقوق بشر و دموکراسی (۸/۲۵٪) با لاتیک بودن (۱۰٪) قرار می‌گیرند (جدول ۱۵).

اگر به احزاب بطور تک تک نگریده شود حزب عدالت و توسعه در ارزش‌های دینی،

حزب جمهوری خلق در ارزش‌های حقوق بشر و لایتیک بودن، حزب راه راست در ارزش‌های ملی و آداب و رسوم پیش رو بوده و در مقابل در حزب جوان از همه ارزش‌ها، مقداری وجود دارد. به طور خلاصه وقتی از لحاظ ارزش‌های انتخاب‌کنندگان نگاه می‌شود حزب عدالت و توسعه به عنوان حزب پیرامون با نمایندگی ارزش‌های محافظه کارانه و حزب جمهوری خلق به عنوان حزب مرکز با نمایندگی ارزش‌های حقوق بشر و دموکراسی که ارزش‌های اساسی گروه چپ است توصیف می‌شوند.

در این جا یک موضوع مهم دیگر حساسیت‌های دینی انتخاب‌کنندگان در رأی دادن است. در رفتار انتخاب‌کنندگان دین در یک جایگاه بسیار مهم قرار دارد. جمع افرادی که به ارزش‌های دینی و اخلاقی اهمیت قابل هستند حدوداً ۴۰٪ بوده است. این نسبت به‌ویژه در بین انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه به میزان قابل توجهی بالا بوده است. به بیان دیگر می‌توان گفت که در پیروزی حزب عدالت و توسعه عامل دین به طور پوشیده نقش بسیار تعیین‌کننده ایفا شده است. شخصیت و گذشته رهبر طیب اردوغان که به پاکیزگی و درستی آن اعتماد شده و انجام تفکیک «ما - دیگران» و هویت‌سازی حزب عدالت و توسعه، هم ذهنی و همدلی نقش مهمی را ایفا شده است. (Can, 2002, 52)

۵-۲-۶- هویت انتخاب‌کنندگان و ترجیح‌های حزبی

در بررسی بین چگونگی تعریف انتخاب‌کنندگان از خود و ترجیح‌های حزبی نتایج جالب توجه مشاهده می‌شود. انتخاب‌کنندگان در تعریف خود مهمترین صفاتی که برای خود به کار برده‌اند عبارت است از:

ترک بودن، مسلمان بودن، طرفدار آتاترک بودن، معاصر بودن.

در انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه هویت مسلمان بودن در اولویت اول و بعد از آن نیز هویت ترک‌بودن می‌آید.

در انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق هویت طرفدار آتاترک بودن و ترک بودن و در

جدول ۱۶- هویت‌های سیاسی و ترجیح‌های حزبی

انتخاب‌کنندگان حزب جوان	انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب‌کنندگان	
۹۰/۲	۶۰/۷	۸۰/۱	۷۰/۱	ترک هستم
۶۵/۵	۳۸/۰	۸۸/۳	۶۸/۰	مسلمان هستم
۱۵/۹	۴۲/۲	۱۸/۱	۲۳/۵	معاصر هستم
۴۴/۲	۶۷/۰	۱۷/۷	۳۲/۵	طرفدار آتاترک هستم
۳۶/۲	۲۵/۷	۳۰/۰	۲۵/۰	شهروند هستم (هم وطن)
۱۰/۰	۲۸/۵	۱۳/۵	۱۹/۱	دموکرات هستم

جدول ۱۷- نقطه نظرها در مورد جایگاه ترکیه در جهان

انتخاب کنندگان حزب جوان	انتخاب کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب کنندگان حزب راه راست	انتخاب کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب کنندگان	
۵۱/۳	۷۰/۰	۴۲/۰	۳۰/۱	۲۹/۰	۳۸/۱	ترکیه قسمتی از دنیای ترک است
۲۳/۰	۱۳/۰	۳۰/۱	۵۱/۶	۲۰/۵	۲۹/۱	ترکیه یک قسمتی از اروپا است
۷/۱	۱۲/۰	۱۴/۵	۵/۶	۳۶/۷	۱۷/۷	ترکیه یک قسمتی از دنیای اسلام است
۱۸/۶	۵/۵	۱۲/۳	۱۰/۷	۱۲/۳	۱۲/۶	نظری ندارم
آیا ترکیه باید عضو اتحادیه اروپا شود؟						
۴۲/۵	۳۲/۶	۶۸/۴	۷۰/۵	۵۹/۴	۵۶/۲	- بلی
۲۲/۱	۲۵/۰	۶/۲	۷/۰	۸/۴	۱۱/۵	- خیر
۳۲/۰	۴۲/۴	۲۵/۴	۲۲/۱	۳۱/۲	۳۰/۵	- از بعضی جهت بلی و بعضی جهت خیر

انتخاب کنندگان حزب جوان هویت‌های ترک‌بودن و طرفدار آتاتورک‌بودن بیشتر نمایان است. در حیات سیاسی ترکیه یکی از موضوعاتی که مدت‌هاست بر روی آن بحث و مناقشه وجود دارد لزوم جایگاه ترکیه در جهان است.

وقتی از این باب، به رفتار انتخاب کنندگان نگاه شود آن‌هایی که می‌گویند ترکیه باید قسمتی از دنیای ترک باشد در اولویت نخست قرار دارد بعد از آن به ترتیب اروپائی‌شدن و دنیای اسلام می‌آیند. در انتخاب کنندگان حزب عدالت و توسعه با توجه به میانگین انتخاب کنندگان اندیشه تعلق داشتن به دنیای اسلامیت از بقیه احزاب بیشتر بوده و در حزب جمهوری خلق اندیشه قسمتی از اروپا بودن و در حزب حرکتی ملی و مقداری هم در حزب جوان اندیشه تعلق داشتن به دنیای ترک نمایان است.

در راستای انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ احتمال تأثیر بر ترجیح‌های حزبی انتخاب کنندگان که قبل و بعد از انتخابات مورد مناقشه بود موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. به طوری که در رأس علل اتخاذ تصمیم به انتخابات زودرس سوم نوامبر به اختلاف افتادن حکومت ائتلافی وقت بر سر موضوعات اصلاحات مربوط به عضویت در اتحادیه اروپا می‌آید. روابط با اتحادیه اروپا بلکه هم هیچ موقع تا قبل انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ و در فرآیند انتخابات به این شدت نزد افکار عمومی ترکیه مورد بحث قرار نگرفته است. به طور کلی قسمت اعظم انتخاب کنندگان (۵۶/۲٪) از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را بدون قید و شرط حمایت نموده و تنها ۱۱/۵٪ به طور مطلق مخالف هستند. بعضی‌ها در این اندیشه هستند که پیوستن به اتحادیه اروپا هم مفید و هم مضر خواهد بود. حزب جمهوری خلق از بیشترین موافق (۷۰/۵٪) و حزب حرکت ملی از بیشترین مخالفت (۲۵٪) عضویت در اتحادیه اروپا بوده‌اند. قابل ذکر است که

میزان مخالفین انتخاب‌کنندگان حزب حرکت ملی در انتخاب‌کنندگان این حزب فقط ۲۵٪ بوده است. استراتژی انتخابات حزب حرکت ملی که مقابله با عضویت در اتحادیه اروپا بوده است احتمالاً در کاهش آراء این استراتژی بی‌تأثیر نباشد.

عضویت در اتحادیه اروپا هم از طرف قسمت عمده انتخاب‌کنندگان حزب حرکت ملی ۳۲/۶٪ و اکثریت مردم ترکیه برای آینده ترکیه از لحاظ رسیدن به رفاه و ثروت به‌عنوان یک در

جدول ۱۸- وضعیت آموزش، سن، درآمد و ترجیح حزبی انتخاب‌کنندگان

انتخاب‌کنندگان حزب بهران	انتخاب‌کنندگان حزب حرکت ملی	انتخاب‌کنندگان حزب راه راست	انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق	انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه	کل انتخاب‌کنندگان	
۰/۹	۱/۳	۲/۶	۰/۹	۱/۹	۱/۳	خواندن و نوشتن
۲۵/۷	۱۶/۵	۲۴/۴	۱۰/۶	۲۰/۵	۱۵/۷	فارغ التحصیلان دوره ابتدایی
۱۵/۹	۸/۵	۱۳/۰	۸/۰	۱۰/۳	۹/۸	فارغ التحصیلان دوره راهنمایی
۳۹/۸	۴۲/۹	۳۵/۲	۴۴/۴	۴۱/۲	۴۲/۲	فارغ التحصیلان دوره دبیرستان
۱۷/۷	۳۱/۲	۲۴/۹	۳۵/۴	۲۵/۸	۳۰/۹	فارغ التحصیلان دانشگاه
گروه سنی						
۲۴/۸	۳۶/۰	۱۸/۷	۲۵/۹	۲۷/۷	۳۱/۴	بین سنین ۱۸-۲۴
۳۲/۷	۲۱/۳	۲۱/۸	۲۵/۹	۲۸/۳	۲۶/۶	بین سنین ۲۴-۳۴
۲۳/۰	۲۴/۳	۲۸/۰	۲۴/۸	۲۲/۱	۲۳/۲	بین سنین ۳۴-۴۴
۱۶/۸	۱۳/۹	۲۰/۲	۱۶/۶	۱۲/۳	۱۳/۱	بین سنین ۴۴-۵۴
۲/۷	۴/۵	۱۱/۴	۶/۷	۹/۶	۵/۸	بین سنین ۵۵ و بالا
گروه درآمدی						
۲۵/۱	۲۲/۳	۲۰/۹	۲۲/۵	۲۳/۲	۲۲/۵	دارای درآمد مستمر نیستم
۱۰/۳	۹/۳	۸/۱	۷/۵	۸/۵	۹/۶	با حداقل حقوق دستمزد کار می‌کنم
۱۷/۷	۱۸/۷	۱۵/۰	۱۸/۰	۲۰/۱	۱۷/۶	دارای درآمد ۲۵۰-۴۵۰ میلیون لیر
۱۴/۲	۱۴/۹	۲۰/۲	۱۹/۴	۱۶/۶	۱۶/۵	دارای درآمد ۴۵۰-۶۰۰ میلیون لیر
۱۴/۳	۱۲/۵	۱۵/۰	۱۴/۴	۱۲	۱۲/۵	دارای درآمد ۸۰۰-۶۰۰ میلیون لیر
۱/۸	۶/۹	۶/۷	۶/۹	۴/۲	۵/۵	بیشتر از یک میلیارد لیر
۱/۸	۱۴/۴	۱۴/۰	۹/۲	۱۳/۸	۱۵/۷	بدون پاسخ

امید دیده می‌شود.

۶-۲-۶- ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و ترجیح حزب

بررسی ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی کف حزب برای شناخت و درک ریشه‌های

جدول ۱۹- انتظارات از مجلس ملی برای حل مسائل

انتخاب‌کنندگان	انتخاب‌کنندگان	انتخاب‌کنندگان	انتخاب‌کنندگان	انتخاب‌کنندگان حزب	کل	
حزب پهران	حزب حرکت ملی	حزب راه راست	حزب جمهوری خلق	عدالت و توسعه	انتخاب‌کنندگان	
۲۳	۳۳/۳	۲۸/۵	۳۷/۲	۳۰/۶	۳۵/۳	مبارزه با فساد و رشوه
۶۲/۸	۴۴/۰	۵۱/۸	۴۲	۴۲/۳	۴۱/۷	اصلاح نظام اقتصادی
۲/۷	۳/۵	۴/۱	۶/۳	۲/۸	۴/۹	آزادی (ایجاد فضای باز سیاسی)
۳/۵	۱۰/۰	۲/۱	۳/۰	۱۵/۳	۵/۹	رفع موانع جلو دین و آزادی اندیشه
۳/۵	۳/۵	۵/۲	۵/۶	۳/۵	۴/۳	حل مسائل آموزشی و بهداشت
۰/۹	۲/۷	۵/۲	۴/۴	۳/۶	۳/۹	توسعه روابط با اتحاد اروپا
۳/۵	۳/۲	۳/۲	۱/۳	۱/۲	۲/۱	موضوعات دیگر

اجتماعی حزب مفید است.

از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناسی برای تفکیک کف‌های حزب یکی از عوامل مؤثر سطح آموزش انتخاب‌کنندگان است. در این جا نکته‌ای که قابل تأکید است این است که با افزایش سطح آموزش در انتخاب‌کنندگان گرایش به حزب جمهوری خلق نیز افزایش یافته است. در مقایسه با کل انتخاب‌کنندگان سطح آموزش انتخاب‌کنندگان حزب عدالت و توسعه در بین فارغ‌التحصیلان ابتدایی و راهنمایی بیشترین نمایندگی در مقابل در بین فارغ‌التحصیلان آموزش عالی کمترین نمایندگی (حمایت) را داشته است.

انتخاب‌کنندگان حزب جمهوری خلق نیز بیشتر از طرف افراد با سطح آموزش بالا به‌ویژه از طرف فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نمایندگی (حمایت) شده است. بیشترین تعداد با سطح آموزش ابتدایی در حزب‌های جوان ۲۵/۶٪ و راه راست ۲۴/۴٪ بوده‌اند. از لحاظ ویژگی‌های گروه سنی حزب عدالت و توسعه را انتخاب‌کنندگان با گروه سنی ۲۵-۴۴ و حزب جمهوری خلق را گروه سنی ۴۴ و بالا و حزب جوان را گروه سنی ۲۵-۳۴ و حزب حرکت ملی در گروه سنی ۲۴-۱۸ و حزب راه راست ۵۵ و بالا نمایندگی یا حمایت می‌کنند.

از لحاظ گروه‌های درآمدی حزب عدالت و توسعه با گروه درآمدی حداقل حقوق دستمزد (۲۵۰-۴۵۰ میلیون لیر) حزب جمهوری خلق با کف درآمد ۲۵۰ میلیون لیر گروه‌های درآمد بالاتر، حزب راه راست با درآمد ۴۵۰ میلیون لیر و بالاتر بیشتر مورد حمایت می‌شوند. در حزب حرکت ملی از یک گروه درآمدی خاص تمرکز مشاهده نشده و حزب جوان بیشتر از گروه‌های درآمدی پایین دارای حمایت بودند.

۷-۲-۶- انتظارات از مجلس

بعد از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجلس دوباره شکل گرفت و با توجه به انتخابات فوق مردم از این مجلس طلب و انتظاراتی داشتند. و به مفهومی این انتظارات علل واقعی نتایج انتخابات سوم نوامبر بود.

با توجه به داده‌های جدول ۱۹ مهمترین انتظارات مردم از مجلس و (به‌طور غیر مستقیم از حزب حاکم) اصلاح نظام اقتصادی (۴۱/۷٪) در اولویت اول و در دومین اولویت مبارزه و تدابیر برای فساد و رشوه (۳۵/۳٪) قرار می‌گیرد و اولویت دادن به رفع موانع جلو دین و آزادی اندیشه و فضای باز سیاسی بیش از ۱۰٪ نمی‌باشد.

با توجه به جدول فوق موفقیت و عدم موفقیت حکومت حزب عدالت و توسعه نخست بستگی به عملکرد این حاکمیت در روند اقتصاد، مبارزه با فساد و رشوه و رفع موانع در جلو دین و آزادی اندیشه ارزیابی خواهد شد.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

یک سال قبل از انتخابات سوم نوامبر سال ۲۰۰۲ هیچ یک از احزاب باور نمی‌کردند که در انتخابات آینده فقط دو حزب بتواند پیروز انتخابات شود. اعتقاد عمومی بر این بود که نتیجه انتخابات شکلی خواهد بود که با چند حزب یک حکومت ائتلافی تشکیل می‌گردد (Gagatay, 2002, 35) حال در شب سوم نوامبر ۲۰۰۲ شمارش آراء صندوق‌ها به‌طور غیرمنتظره صحنه‌ای را به نمایش گذاشت که بعد از ۴۲ سال مجدداً در ترکیه یک مجلس ملی دو حزبی و متأثر از آن حکومتی با چنان اقتداری تشکیل شود که حتی قدرت تغییر قانون اساسی را نیز داشته باشد. در فرآیند اتخاذ تصمیم انتخاب‌کنندگان به این نتیجه چه عواملی نقش ایفا نمودند.

همین‌طور زلزله سیاسی به‌وجود آمده و اصطلاحاً کودتای مردم به‌وسیله صندوق‌های رأی چگونه تعبیر و تفسیر می‌شوند؟

* بعضی‌ها این وضع را انعکاس عقده یک اکثریت سرکوب و طرد شده می‌دانند (که در سال‌های ۱۹۹۹ با بحران اقتصادی و سیاسی عمیق‌تر نیز گشت) که به‌وسیله انفجار صندوق‌های رأی پاسخ داده شد.

* بعضی‌ها نیز بر این عقیده بودند که بحران هویت احزاب سیاسی ناشی از فشار همسان‌سازی فرآیند جهانی شدن باعث از دست دادن آرای این احزاب گردید.

* عده‌ای دیگر بر عدم توانایی و پاسخ‌گویی حزب رفاه به انتظارات معاصر و محیط پیرامون محافظه‌کارانه و امید تحقق و انتقال آن به محیط میانه‌رو توسط حزب عدالت و توسعه معتقد بودند.

* عده‌ای دیگر بر تصفیه رهبران حزب‌ها به‌وسیله انتخاب‌کنندگان معتقد بودند که به علل

۱- در سال ۱۸۳۹ در دوره حکومت عثمانی برای مدرنیزه کردن تشکیلات دولتی اصلاحاتی انجام داده شد که به آن فرمان تنظیمات (Tanzimat) گفته می‌شود.

آلودگی بر فساد و رشوه صداقت و پاکیزگی را از دست داد و اعتماد به آن‌ها سلب شده بود. و نهایتاً بعضی‌ها نیز بر موفقیت رهبری کاریزماتیک طیب اردوغان در همفکری و همدلی با مردم تأکید نموده‌اند. واقعیت امر این است که عوامل فوق کم و بیش و به نسبت متفاوت در نتایج انتخابات مؤثر بوده است. ما در این‌جا در چارچوب اخلاق علمی و در پرتو اطلاعات موجود به بعضی تفسیرها و ارزیابی‌ها اکتفا می‌کنیم.

مهمترین انعکاس انتخابات فوق بر نظام سیاسی این است که به نظام حاکم ۱۹۹۰ با اداره احزاب پراکنده پایان داده و به دوره حاکمیت نظام دو حزبی که از لحاظ استقرار سیاسی و مبارزه با بحران حائز اهمیت است تبدیل گردید. ساختار به وجود آمده با محوریت دو حزب این ادعا را تأیید می‌کند که از دوره تنظیمات^۱ تا به امروز هنوز تنوع فرهنگی در تشکیل حیات سیاسی ترکیه نقش پویا ایفا می‌نماید. در این زمینه اگر بیان شود که استمرار رفتار انتخاب‌کنندگان و تنوع فرهنگی - اجتماعی طولانی مدت ملت ترک برای فراهم ساختن استقرار حیات سیاسی ترکیه با انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجدداً مطرح و حیات پیدا کرده است بی‌راه نگفته‌ایم.

در این‌جا به این نکته هم بایستی اشاره کرد که نمی‌توان گفت حزب عدالت و توسعه از لحاظ ساختار ایدئولوژیکی و ذهنی با احزاب دموکرات، عدالت، امام میهن همسان است یا این که حزب جمهوری خلق همان حزبی است که در سال ۱۹۵۰ بوده است. امام بدون تردید از لحاظ منبع و مأخذ ایدئولوژی و فکری و مناطق جغرافیایی اخذ آرا و گروه‌های اجتماعی حزب عدالت و توسعه وارث آداب و رسوم حزب دموکرات و حزب جمهوری خلق وارث همان حزب در دهه ۱۹۵۰ می‌باشند.

در این مفهوم برعکس این که گمان می‌رفت که فرهنگ راست میانه‌رو و چپ میانه‌رو در دهه ۱۹۸۰ ضعیف و در دهه ۱۹۹۰ پراکنده گشته‌اند اما می‌توان گفت که با انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ مجدداً در پیرامون مسائل و عوامل جدید مجدداً احیا شده و با جبهه‌بندی جدیدی حضور پیدا کرده‌اند. اما در نگاه به پنجاه سال اخیر جبهه‌بندی انتخاب‌کنندگان راست و چپ، می‌بینیم که هر دو گروه از لحاظ حمایت انتخاب‌کنندگان بسیار ضعیف مانده است. به طوری که در دهه ۱۹۵۰ نسبت آراء بزرگترین دو حزب مجلس ملی به ۹۰ درصد می‌رسید در حالی که در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ این نسبت در حدود ۵۵ درصد مانده است.

این حالت ضعیف در دو حزب موجود ماندگار خواهد بود یا نه، یا به قدرت قدیمی خود برخواهد گشت یا نه، به ارائه عملکرد احزاب بستگی دارد و در انتخابات آتی روشن خواهد شد. مناقشه عوامل مؤثر اجتماعی که حزب عدالت و توسعه را گسترش و توسعه داده است همچنان ادامه دارد.

در این زمینه در بین مهمترین یافته‌هایی که به بررسی مان انعکاس شده است عبارتند از:

۱- تأکید بر ارزش‌های محافظه‌کارانه (ذهنی - فرهنگی) که هنوز در جامعه ملت ترک اهمیت دارد.

۲- روابط گرم و صمیمی (هم‌احساسی) با مردم

۳- پیام‌های سیاسی با محوریت «جامعه» و «انسان» مبنی بر حل مسائل از قبیل بحران اقتصادی، فساد و رشوه که اکثریت جامعه از وجود آن‌ها رنج می‌برند.

۴- تأکید بر هویت اسلامی برای پیشرفت و توسعه جامعه

۵- ایجاد باور مبنی بر وجود یک رهبر و مدیریت جوان و پویا و سالم و قابل اعتماد در حزب در مورد حزب جمهوری خلق هرچند که به علت قرارگرفتن در جایگاه دومین حزب بزرگ در ظاهر موفق نشان داده می‌شود اما با توجه به گسترش فقر و مبارزه علیه آن ایجاد بستر مناسب اجتماعی و سیاسی برای موفقیت احزاب سوسیال دموکرات، می‌توان گفت که کسب آرای در حدود ۱۹ درصد کمتر از مورد انتظار بوده است.

با توجه به داده‌های موجود مهمترین انگیزه انتخاب‌کنندگان در رأی دادن به حزب جمهوری خلق ایدئولوژیک است. قابل فهم است که در جبهه بندی چپ - راست آنانی که خود را چپ‌گرا می‌بینند حزب جمهوری خلق را به علت بزرگترین حزب چپ‌گرا بودن حمایت نموده‌اند.

به علاوه افراد و یا گروه‌هایی که به ارزش‌هایی از قبیل سکولاریسم، آنتاترک‌گرایی، اروپایی شدن، آزادی و حقوق بشر را در اولویت قرار می‌دهند یا آن‌ها را جزئی از هویت و طرز زندگی می‌بینند حزب جمهوری خلق را ترجیح داده‌اند. از لحاظ نمودهای طبقه‌بندی اجتماعی از قبیل سن، آموزش و درآمد نیز حزب جمهوری خلق از قشرهای آموزش دیده و نسبتاً مسن مورد حمایت قرار گرفته است. در حالی که جوانان بیکار و فقرا که از بحران اقتصادی بیشترین آسیب‌پذیرها بودند عمدتاً به احزاب عدالت و توسعه و جوان رأی داده‌اند. وقتی به این داده‌ها و نمایندگی احزاب در جغرافیای کشور نگاه کنیم، ملاحظه می‌شود که حزب جمهوری خلق در پیام سیاسی و یا شعار تبلیغاتی انتخابات با عنوان «چپ‌آتاتولی» نیز موفق نبوده است. در بین احزابی که در انتخابات افزایش نسبی قدرت کسب نموده‌اند یکی حزب دموکراتیک خلق و دیگری نیز حزب جوان بوده است. تلاش حزب دموکراتیک خلق قبل از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ برای روابط با احزاب رسمی دیگر خیلی محدود ماند و به علت کسب زیر ۱۰ درصد آراء نتوانست به مجلس راه یابد. در مورد حزب جوان می‌توان گفت که این حزب با توجه به این که برای نخستین بار به انتخابات شرکت می‌نمود ولی کسب آرای در حدود ۷٪ برای آن حزب یک موفقیت محسوب می‌شود. با توجه به داده‌ها کف آراء حزب جوان نشانگر این است که در این

حزب قشر انتخاب کنندگان نامتجانس^۱ هستند.

به طوری که در این حزب نسل جوان وجود دارد. نمایندگان نسل میانسال ملی گرا برای واکنش بر احزاب دموکراتیک چپ، حرکت ملی، و حتی راه راست که از عملکرد آن احزاب ناراضی بوده اند به حزب جوان گرایش پیدا نموده اند. بی تردید در موفقیت حزب جوان تأثیر میتینگ رهبر جوان حزب جم اوزان^۲ در میادین انتخابات بر علیه آمریکا و اروپا کمتر نبوده است. به طوری که ۴۲٪ انتخاب کنندگان حزب جوان بیان نموده اند به علت این که رهبر حزب را قبول داشته و ۳۰٪ نیز برای تجربه نمودن به این حزب رأی داده اند. داده ها نشانگر این است که حزب جوان در عرصه سیاسی برای خود در حدود ۵٪ کف انتخاب کننده تشکیل داده است و با گام های مشخصی که در جهت کادرسازی و نهادینه شدن بعد از انتخابات برداشته و همچنین در فعالیت های انتخاباتی، تبلیغات علیه بحران عراق نشانگر اشاره هایی است که این حزب در سیاست ترکیه نه تنها موقتی نبوده بلکه ماندگار نیز می باشد.

با توجه به یافته های بررسی در رأس علل شکست احزاب در انتخابات عوامل زیر نقش

اساسی داشته اند:

- عدم اجرای وعده های داده شده

- منصرف شدن از اصول اساسی حزب

- عدم موفقیت رهبران و فاصله گرفتن حزب از مردم

انتخاب کنندگان هم سیاست های حزب و عملکرد رهبران را ناکافی دیده و هم به پشت کردن هویت حزب که به روش اصول اساسی احزاب رشد یافته اند واکنش نشان می دهند. به عبارت دیگر در عرصه سیاسی احزابی که تفکیک «ما و دیگران» را فراموش کرده و به نام سیاست تفاهم جسارت نشان دادن رسالت خود را ندارند و از دستور کار مردم فاصله گرفته و

جدول ۲۰- رهبری محمد آغار در رأس حزب راه راست قرار گرفتن را چگونه ارزیابی می کنید

رأی دهندگان حزب راه راست در سوم نوامبر ۲۰۰۲	همه انتخاب کنندگان	
۲۶/۹	۱۱/۸	خیلی بهتر می شود
۱۵/۵	۱۴/۴	بهتر می شود
۳۴/۷	۲۲/۰	مناسب نیست
۱۰/۴	۲۳/۳	فرق نمی کند
۱۵/۴	۲۶/۵	نمی دانم
آیا محمد آغار می تواند قشر راست گرا را در زیر یک چتر جمع آوری کند؟		
۳۲/۱	۱۲/۲	بلی
۵۰/۸	۵۲/۸	خیر
۱۶/۱	۳۳/۰	نمی دانم

دستور کار دیگران را تعقیب می‌نمایند مورد مجازات قرار می‌گیرند. در این‌جا مشکلات رهبران و احزاب فشارهای حاصل از فرآیند جهانی‌سازی و راه حل بهینه مابین طلب و انتظارات مردم با ابزارهای سیاسی می‌باشد. برای مثال در حالی که از یک طرف تعادل‌های اقتصاد خرد مورد تعقیب است از طرف دیگر عوامل متضاد با این‌ها از قبیل سیاست‌های افزایشنده هزینه اجتماعی و اشتغال که مورد نیاز مردم است احزاب شریک حاکمیت را با مشکل مواجه می‌نماید. در حال حاضر حزب عدالت و توسعه مسائلی پیشروی خود دارد که در دوره‌های قبل عامل کاهش رأی و هویت احزاب اقتدار بوده است.

با توجه به داده‌ها در جبهه مغلوب شده‌ها احزاب حرکت ملی و مام میهن از کف انتخاب‌کنندگان محافظت نموده اما ستون فقرات آن شکسته و حزب دموکرات چپ به‌طور کلی ضعیف شده حتی با حذف از صحنه سیاست مواجه گشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اگر این سه حزب سیاسی برنامه‌ها و رسالت خود را با توجه به انتظارات مردم جهت ندهد برگشت بر قدرت سیاسی قبلی سخت خواهد بود.

بعضی احزاب مغلوب دیگر نیز راه حل را در تغییر رهبران جستجو کرده‌اند. بی‌شک تغییر رهبر به‌عنوان وسیله بقاء احزاب سیاسی یک بررسی وسیع را ضروری می‌نماید. اما در مناقشه انتخاب رهبر برای حزب راه راست در مورد آقای محمد آغار^۱ که نام وی به‌عنوان رهبر حزب مطرح بود جهت سنجش انتظارات مردم در این مورد دو سؤال پرسیده شده است. که بر آن اساس ۲۵ درصد همه انتخاب‌کنندگان و ۴۲٪ رأی دهندگان به حزب راه راست رهبری آقای محمد آغار را برای حزب مذکور بسیار خوب با خوب پاسخ داده‌اند (جدول ۲۰) از طرف دیگر تنها ۱۲٪ از همه انتخاب‌کنندگان و ۳۲٪ انتخاب‌کنندگان حزب راه راست اعتقاد داشته‌اند که آقای محمد آغار می‌تواند قشر راست‌گرا را در زیر یک چتر جمع‌آوری نماید و بیش از نصف نیز این اعتقاد را نداشته‌اند.

در نتیجه در موفقیت و عدم موفقیت انتخابات عامل مؤثر تنها رهبر کاریزما نیست. آنچه مهم است خط مشی که در سیاست نمایندگی آن را به‌عهده دارد، به‌طور مستمر با توجه به شرایط روز نوسازی کرده و در اجرای آن نیز نباید هم انتظارات و خواسته‌های کف انتخاب‌کنندگان خود و هم مردم بی‌توجه بود. چون در دموکراسی‌ها اصل مطالبات و حساسیت‌های مردم است. از مردم رأی‌گرفتن و بر خلاف آنان سیاست انجام‌دادن موفقیت‌آمیز نخواهد بود. این واقعیت همانند دیروز فردا نیز خود را نشان خواهد داد.

منابع

- 1- Schmitt, Carl, **Der Begriff des Politischen**, (1979); Text Vpm 1932 Mit Einem Vorwort Und Drei Coro Ilarien, Berlin: Duncker&Humblot.
- 2- Carkoglu, Ali (2002); **Turkey's November 2002 Elections: A New Beginning?**, Middle East Review of International Affairs (MERIA)", Vol. 6, Nu. 6, December.

- 3- Esmer, Yilmaz (1995); **Parties and The Electorate: A Comparative Analysis of Voter Profiles of Turkish Political Parties**, in Cigdem Balim Vd. Turkey: Political, Social and Economic Challenges in the 1990s. Netherlands:E. J. Brill.
- 4- Bora, Tanil (2002); **Secimi ve Siyasi Guzergah Problemleri**, Birikim, Say1, Kas1m-Aralik.
- 5- Ozbudun, Ergun (1976); **Social Change and Political Participation in Turkey**, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- 6- Akgun, Birol (2002); **Explaining The Turkish Vote: Partisanship, Ideology and Economic Factors in Electoral Choice**, Case Western Reserve University, Cleveland, Ohio, ABD
- 7- Dalton, Russell J., ve Martin P. Wattenberg (1993); **The Not So Simple Act of Voting**, in The Sate of Discipline, Ed. Ada Finifter. Washington, DC: APSA.
- 8- Berelson, B, Lazarsfeld & W.N. Mcphee (1954), **Voting** . Chicago: university of Chicago Press .
- 9- Norris, pippa Ed . (1998), **Elections and voting Behavior: New challenges, New perspectives**. Datmouth: Ashagate.
- 10- Lazarsfeld, Paul, Bernard Berelson, and Hazel Gaudet (1944); **The People's Choice: How The Voter Makes Up His Mind in a Presidential Campaign**. New York: Columbia University Press.
- 11- Mackenzel, W, (1958), **Free Elections** . London: Allen & Unwin.
- 12- Lipset, Seymour M. & Stin Rokkan, (1967), **Purty systems and voter Alignments : Cross – National perspectives** . Newyork : The Free Press.
- 13- Dalton, Russel J. (1996); **Political Cleavages, Issues, And Electoral Change**, In Comparing Democracies: Elections and Voting in Global Perspective, Lawrance Leduc, Richard G. Niemi ve Pippa Norris, Eds. Thousand Oaks: Sage Publications.
- 14- Campbell, Angus, Etal, (1960), **The American voter**, New York Wiley press .
- 15- Franklin, Mark, Thomas T. Mackei, Henry Valen Vd. (1992); **Electoral Change: Responses to Evolving Social and Attitudinal Structures in Western Countries**. Cambridge: Cambridge University Press.
- 16-Bennet, Lance W. ve Barts R. Salisbury (1987); **Rational Choice: The Emerging Paradigm in Election Studies**, In Research in Micropolitics, V2: JAI Press Inc.
- 17- Fiorina, Morris (1981): **Retrospective Voting in American National Elections**, New Haven: Yale University Press.
- 18- Lewis-Beck, Michael S. (1990); **Economics and Elections: The Major Western Democracies**, Ann Arbor: University Of Michigan Press.
- 20- unat, Nermin Abadan (1965), **Anayasa Hukuku ve siyasi Bilimler Aqisindan 1965 Seqimlarinn Tahlili**, Ankare A.O. Hykuk Fakultesi Yayinlari .
- 22- Kalaycioglu, Ersin. (1994); **Elections and Party Preferences in Turkey: Changes and Continuities**, Comparative Political Studies 27(3).
- 25- Sayari, Sabri and Esmer, Yilmaz, Eds. (2002), **Politics, Parties and Elections in Turkey, Boulder, Co: Lynne Rienner Publishers, Inc.**
- 27- Bultay, Tuncer ve Nuri Yildirim (1998), **Turk Secemenle rinin oy rerme Egilimleri Uzerinde iktisadi sebeplerin onemi uzerinde Bir Deneme**, siyasal Bilgiler Fakultesi Dergisi.
- 28- Karpat, Kemal (1959): **Turkey's Politics: The Transformation to a Multi-Party System**, Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- 29- Sayari, Sabri (1978); **The Turkish Party System In Transition, Government and Opposition**, Winter 1978.
- 30- Ayata, Sencer (1996); **Patronages, Party, and State: The Politicization of Islam in Turkey**, Middle East Journal, 50(1).
- 31- Akyol. Taha. (2002), **Akp'nin Arkasinda Ne vor: ote – ki Partiler Ne yapiyor?**,